



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



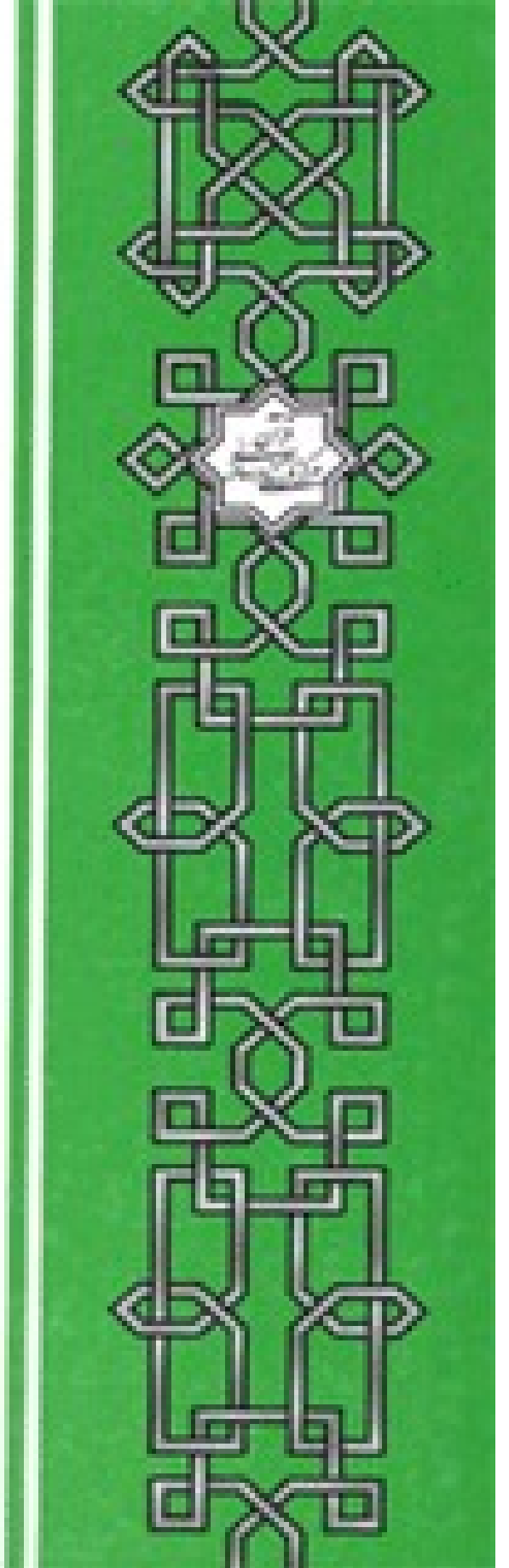
رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تفسیر

سورہ نور

حسن قرآنی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر سوره نور

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تفسیر سوره نور
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	آیه ۱ تا ۵
۸	آیه ۶ تا ۱۰
۹	آیه ۱۱ تا ۱۵
۱۱	آیه ۱۶ تا ۲۰
۱۲	آیه ۲۱ تا ۲۵
۱۴	آیه ۲۶ تا ۳۰
۱۷	آیه ۳۱ و ۳۲
۲۱	آیه ۳۳ تا ۳۵
۲۳	آیه ۳۶ تا ۴۰
۲۵	آیه ۴۱ تا ۴۵
۲۷	آیه ۴۶ تا ۵۰
۲۸	آیه ۵۱ تا ۵۵
۳۰	آیه ۵۶ تا ۶۰
۳۲	آیه ۶۱ تا ۶۴
۳۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تفسیر سوره نور

مشخصات کتاب

سرشناسه: قرائتی محسن ۱۳۲۴ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر سوره نور/ محسن قرائتی. مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: [۱۰۸ ص. م.س ۱۹/۵ × ۹/۵ شابک: ۷۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۸۴-۳؛ ۵۰۰۰۰ ریال (چاپ ششم) وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ هشتم). یادداشت: چاپ اول: زمستان ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ ششم: تابستان ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ هشتم. موضوع: تفاسیر (سوره نور) موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP1۰۲/۵۵ ق۴ت۷ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۷۴۷۰۵

اشاره

تفسیر سوره نور این سوره شصت و چهار آیه دارد و در مدینه نازل شده است. علت نام گذاری این سوره به «نور»، آیه سی و پنج آن است که خداوند را به عنوان نور آسمانها و زمین معرفی می کند. از آنجا که در این سوره سفارش های بسیار در مورد رعایت عفت و پاکدامنی تو

آیه ۵ تا ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱) (این سوره ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به) آن را واجب کردیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم. شاید شما متذکر شوید. پیامها: ۱- کلمه «سوره» یک نام گذاری از طرف خداوند برای یک مجموعه آیات از قرآن کریم است. «سوره... انزلنا فیها آیات» ۲- احکام، به دستور خداوند واجب می شود. «فرضناها» ۳- قرآن، قانون اساسی و آیین نامه‌ی الزامی و اجرایی دین است. «فرضناها» ۴- قرآن، کتابی است که آیات آن، روشن و قابل فهم است. «فیها آیات بینات» (گرچه درک قسمتی از آیاتش نیازمند دقت و تحقیق و تفسیر است) ۵- انسان به پند و تذکر نیازمند است. «لعلکم تذکرون» ۶- معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکر، پرده‌ی غفلت برداشته می شود. «تذکرون» الزائیه والزانی فاجلادوا کلاً واحید منهم مائه جلدہ ولأ تأخذکم بهما رافه فی دین اللہ إن کنتم تؤمنون باللہ والیوم الآخر و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین (۲) هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، در اجرای حکم خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنان حاضر و ناظر باشند. نکته‌ها: احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت می شود، در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد یا زن مجردی زنا کند، صد تازیانه می خورد، ولی اگر کسی با داشتن همسر و دسترسی به او، مرتکب زنا شود، رجم و سنگسار می گردد. مفسد زنا در قرآن و روایات قرآن، زنا را کاری زشت می داند و از نزدیک شدن به آن نهی می کند. «و لاتقربوا الزنا» (۱) ترک زنا را نشانه‌ی بندگان راستین خداوند می شمرد. «و عباد الرحمن... لایزنون» (۲) و دوری از این گناه را شرط بیعت با پیامبر می داند. «اذا جائک ... و لایزنین» (۳) برخی از مفسد اجتماعی زنا، در یکی از سخنان حضرت رضا علیه السلام چنین عنوان شده است: ۱- ارتکاب قتل به واسطه‌ی سقط جنین. ۲- بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی. ۳- ترک تربیت فرزندان. ۴- از بین رفتن موازین ارت. (۴) * حضرت علی علیه السلام ترک زنا را مایه‌ی استحکام خانواده و ترک هم جنس بازی را عامل حفظ نسل می داند. (۵) * پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: زنا دارای زیانهای دنیوی و اخروی است: امّا در دنیا: از بین رفتن نورانیت و

زیبایی انسان، مرگ زودرس و قطع روزی. اما در آخرت: درماندگی، هنگام حساب قیامت، غضب الهی و جهنم همیشگی. (۶) * از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: هر گاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود. (۷) * زنا نکنید، تا همسران شما نیز به زنا آلوده نشوند. هر که به ناموس دیگران تجاوز کند، به ناموسش تجاوز خواهد شد. آن گونه که با دیگران رفتار کنید، با شما رفتار خواهد شد. (۸) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو * چهار چیز است که هر یک از آنها در هر خانه‌ای باشد، آن خانه، ویرانه است و برکت ندارد: ۱- خیانت. ۲- دزدی. ۳- شرابخواری. ۴- زنا. (۹) * زنا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. (۱۰) * امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند: ۱- زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد. ۲- هر گاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می‌رسند. ۳- هر گاه قضاوت مسئولان قضایی، ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید. ۴- زمانی که پیمان شکنی رواج یابد، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد. (۱۱) پیام‌ها: ۱- آزادی جنسی و روابط نامشروع، در اسلام ممنوع است. «الزَّانِيَةُ... فَاجْلِدُوا...» ۲- نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات آن، از مردان بیشتر است، به همین دلیل کلمه زانیه قبل از کلمه زانی آمده است. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي» بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است و لذا کلمه سارق، بر سارقه مقدم شده است. «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ» (۱۲) ۳- تنبیه بدنی مجرم، برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم است. «فاجلدوا» ۴- در روابط نامشروع هر دو طرف به یک میزان تنبیه می‌شوند. «کل واحد» ۵- حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود. «مأة جلد» ۶- در مجازات مجرمان، ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن، جایز است. «لا تأخذکم بهما رأفة» ۷- محبت و رأفت باید در مدار شرع باشد. «لا تأخذکم بهما رأفة» ۸- دین، تنها نماز و روزه نیست؛ اجرای حدود الهی از ارکان دین است. «فی دین الله» ۹- صلابت و قاطعیت در اجرای قوانین، در سایه‌ی ایمان به مبدأ و معاد به دست می‌آید. «ان کنتم تومنون بالله والیوم الآخر» ۱۰- اجرای حدود، نشانه‌ی ایمان به خداست. «ان کنتم تومنون» ۱۱- مجازات مجرم باید به گونه‌ای باشد، که مایه عبرت دیگران شود. «ولیشهد عذابهما» ۱۲- زناکار، علاوه بر شکنجه‌ی جسمی، از نظر روحی نیز باید زجر ببیند. «ولیشهد عذابهما طائفة...» ۱۳- حضور مردم، اهرمی است برای کنترل قاضی و مجری. «ولیشهد... طائفة» ۱۴- از حضور مؤمنان در صحنه، برای نهی از منکر استفاده کنیم. «ولیشهد» ۱۵- تنها مسلمانان حق حضور در مراسم اجرای حد الهی را دارند. «من المؤمنین» الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳) مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند. و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این (زناشویی) بر مؤمنان حرام است. نکته‌ها: این آیه، حال و هوای آیه‌ی «الخبیثات للخبیثین والخبیثون للخبیثات» را دارد که در آیه ۲۶ همین سوره می‌آید و بیانگر این اصل است که: کبوتر با کبوتر، باز با باز. علاوه بر تنبیه جسمی و اجتماعی، باید محدودیت‌های دیگری نیز برای زناکار باشد. در روایات آمده است که حکم این آیه در باره‌ی کسانی است که به زنا شهرت دارند. و اگر زناکاری توبه کرد می‌تواند مانند دیگران با فرد دلخواهش ازدواج کند. (۱۳) امام باقر علیه السلام فرمود: در این آیه، خداوند زناکار را در برابر مؤمن قرار داده و این نشان می‌دهد که زناکار مؤمن نیست. (۱۴) پیام‌ها: ۱- در ازدواج، مسأله‌ی کفو بودن، یعنی همسان و هم‌شأن بودن همسران، یک اصل است. زیرا زنان و مردان ناپاک، لایق همسران پاک نیستند. «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً» ۲- افراد فاسد، در جامعه اسلامی مطرودند. «لا ینکح الا زانیة» ۳- در قرآن، زناکار در کنار مشرک قرار گرفته است. «زانیة او مشرکه» ۴- مردان و زنان مؤمن، باید همسران پاک و پاکدامن انتخاب کنند. «حرّم ذلک علی المؤمنین» وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴) و کسانی که به زنان پاکدامن و شوهردار نسبت زنا می‌دهند و چهار شاهد نمی‌آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید و آنان خود فاسقند. نکته‌ها: گرچه در آیات قبل، سخن از کیفر زناکاران به میان آمد، اما اثبات زنا، امری آسان و سهل نیست، بلکه باید چهار نفر عادل به تحقق آن گواهی دهند و اگر یک نفر کمتر در دادگاه حاضر شود، آن سه نفر که نسبت زنا داده‌اند، هر کدام هشتاد ضربه شلاق می‌خورند. از امام صادق علیه السلام پرسیدند:

چرا برای اثبات قتل دو شاهد لازم است، ولی برای اثبات زنا چهار شاهد؟ حضرت فرمود: با ثابت شدن قتل، یک نفر به کیفر می‌رسد، امّا با اثبات زنا، دو نفر (زن و مرد زناکار). (۱۵) پیام‌ها: ۱- تهمت، به منزله‌ی پرتاب تیر و هجوم به آبروی مردم است. «یرمون» ۲- تهمت زدن به زنان همسر دار و پاکدامن، کیفر سخت‌تری دارد. «المحصنات» ۳- دفاع از حریم زنان پاکدامن واجب است. «یرمون المحصنات... فاجلدوهم» ۴- از میان تهمت‌های گوناگون، تهمت زنا حدّ و قانون معین دارد و قرآن با صراحت بر آن تکیه کرده است. «ثمانین جلدۀ» ۵- تهمت به قدری مهم است که در مجازات مجرم، فاصله‌ی تهمت زنا با خود زنا بیست ضربه شلاق است. «مأة جلدۀ - ثمانین جلدۀ» ۶- کسی که به دیگران تهمت زنا بزند، شهادت و گواهی‌اش اعتبار ندارد. «لا تقبلوا لهم شهادة ابداء» ۷- برای حفظ آبروی مردم، گاهی افراد متعدّدی شلاق می‌خورند. «فاجلدوهم» ۸- تهمت، هم عقوبت بدنی دارد، «فاجلدوهم» هم اجتماعی، «لا تقبلوا لهم شهادة ابداء» و هم اخروی. «اولئك هم الفاسقون» ۹- کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، سرآمد فاسقانند. «هم الفاسقون» ۱۰- شرط گواه شدن، عدالت است و گواهی فاسق قبول نیست. «لا تقبلوا لهم شهادة... هم الفاسقون» ۱۱- «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۵) مگر کسانی که پس از آن (تهمت زدن) توبه کنند و در مقام اصلاح (و جبران) برآیند، که قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است. نکته‌ها: در حدیث می‌خوانیم: توبه کسی که آبروی زنان پاکدامن را برده، این است که در محضر مردم گفته خود را تکذیب نماید. (۱۶) پیام‌ها: ۱- توبه، سبب تجدید حیات دینی و اجتماعی است. «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا... واصلحوا» ۲- در مکتب اسلام، حتّی گنهکاران به بن بست نمی‌رسند. «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا» ۳- توبه، باید با اصلاح و جبران اشتباه و عمل نیک همراه باشد. «تابوا... واصلحوا» ۴- ناامیدی از مغفرت و رحمت الهی، بی‌جاست. «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» ۵- باز بودن راه توبه برای همه، نشانه‌ی رحمت الهی است. «رحیم»

----- (۱) اسراء، ۳۲. ۲) فرقان، ۶۳ - ۶۸. ۳) ممتحنه، ۱۲. ۴) بحار، ج ۷۹، ص ۲۴. ۵) نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲. ۶) بحار، ج ۷۷، ص ۵۸. ۷) بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۲. ۸) بحار، ج ۷۶، ص ۲۷. ۹) بحار، ج ۷۶، ص ۱۹. ۱۰) بحار، ج ۷۶، ص ۱۹. ۱۱) بحار، ج ۷۶، ص ۲۱. ۱۲) مائده، ۳۸. ۱۳) تفسیر المیزان؛ کافی، ج ۵، ص ۳۵۴. ۱۴) کافی، ج ۲، ص ۳۲. ۱۵) تفسیر کنز الدقائق. ۱۶) کافی، ج ۷، ص ۲۴۱.

آیه ۶ تا ۱۰

وَالَّذِينَ يَزُمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶) وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷) و کسانی که به همسران خود نسبت زنا دهند، و جز خودشان شاهدی نداشته باشند، گواهی هر یک از آنان چنین است که چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که از راستگویان است. و پنجمین بار (بگوید): لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد! وَيَذَرُونَ عَلَيْهَا اللَّعْيَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸) و عذاب (سنگسار) را از آن زن دفع می‌کند، اینکه او (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد شوهرش (در این نسبتی که به او می‌دهد) از دروغگویان است. وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹) وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰) و مرتبه پنجم (بگوید): غضب خدا بر او باد اگر شوهرش از راستگویان باشد. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، (رسوا می‌شدید و نظام خانوادگی شما مختل می‌شد) و همانا خداوند توبه‌پذیر و حکیم است. نکته‌ها: وقتی آیه‌ی چهارم نازل شد و حکم نسبت دادن زنا به زنان پاکدامن را بیان کرد، «سعدبن عباد» گفت: یا رسول الله! اگر مردی وارد خانه شد و فاسقی را در کنار همسر خود دید چه کند؟ اگر فریاد بزند، شلاق می‌خورد، چون یک نفر است و شاهد هم ندارد. اگر سکوت کند، غیرتش اجازه نمی‌دهد. اگر به دنبال یافتن شاهد برود، کار تمام می‌شود. در این میان شخصی به نام «هلال بن امیه» با اضطراب وارد شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: زخم را با مردی در حال زنا دیدم، به خدا سوگند راست می‌گویم. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. اصحاب آن

حضرت نیز هیجان زده شدند که این مرد، هم ناموسش را در چنین حالی دیده است و هم شلاق خواهد خورد، زیرا شهادی ندارد تا سخن خود را ثابت کند. ناگهان این آیه نازل شد «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ...» که اگر مردی به همسرش نسبت زنا داد و شهادی نداشت، به جای آوردن چهار شاهد، چهار بار بگوید: «أشهد بالله أني لمن الصادقين» خدا را گواه می‌گیرم که من از راستگویانم. و برای تحکیم و تثبیت ادعای خود یک بار هم این جمله را بگوید: «لعنة الله على ان كنت من الكاذبين» لعنت خدا بر من اگر از دروغگویان باشم. البته زن نیز همچون شوهرش حق دارد از خود دفاع کند، زیرا ممکن است مردی با چهار سوگند دروغ، همسر خود را به سنگسار شدن محکوم کند و برای همیشه آبروی او و بستگانش را ببرد. اسلام که حامی حقوق همگان است برای پیشگیری از وقوع این کار، به زن نیز اجازه داده است تا برای اثبات پاکدامنی خود و نجات از سنگسار، چهار بار سوگند یاد کند و چنین بگوید: «أشهد بالله أنه لمن الكاذبين» خدا را گواه می‌گیرم که همسرم از دروغگویان است. و برای محکم کاری بیشتر بگوید: «غضب الله على ان كان من الصادقين» قهر و غضب خدا بر من اگر همسرم از راستگویان باشد. در پنجمین جمله‌ی مرد، «لعنت خدا» بود و در پنجمین جمله‌ی زن، «غضب خدا» که از لعنت شدیدتر است، زیرا حساسیت کسی که مورد تهمت قرار گرفته، بیشتر است و برای نجات از سنگسار شدن حاضر است غضب خدا را تحمل کند. به هر حال، اگر در محضر قاضی و حاکم اسلامی، این ده جمله (پنج جمله از مرد و پنج جمله از زن) گفته شود، در اصطلاح به این کار، «لعان» (یکدیگر را لعن کردن) می‌گویند. البته در این مورد مسائل فقهی و حقوقی خاصی مطرح است. قاضی باید زن و شوهر را موعظه نماید و سعی کند لعان واقع نشود و در صورت لزوم اجرا، آن دو را به مکان‌های مقدس مانند مسجد ببرد و رو به قبله بنشاند، آن گاه مراسم لعان انجام گیرد. با اجرای لعان و سوگند خوردن زن و شوهر و گفتن جمله‌های ذکر شده، اسلام قوانینی را در نظر گرفته است که باید به آنها عمل شود: ۱- این زن و مرد، بدون صیغه‌ی طلاق، برای همیشه از یکدیگر جدا می‌شوند و حقّ مراجعه و ازدواج مجدد ندارند. ۲- مرد هشتاد ضربه شلاق نمی‌خورد و زن سنگسار نمی‌شود. قرار دادن چهار شاهد یا چهار سوگند، آن هم با لعنت و غضب، برای اثبات زنا، نشانه‌ی آن است که خداوند با فضل و رحمت خود از طریق این گونه احکام، مانع رسوایی شده و گرنه هر روز خانواده‌هایی رسوا و قبیله‌ها و فامیل‌هایی به تباهی کشیده می‌شوند. پیام‌ها: ۱- آبرو و حفظ آن در اسلام مورد توجه است. «أربع شهادات بالله» (قانون چهار سوگند و یک لعنت بر خود، برای کنترل مردم از رسوا کردن یکدیگر است) ۲- در اثبات زنا، همسر، چهار سوگند و یک لعنت، به جای چهار شاهد پذیرفته است. «ان لم یکن لهم شهداء... فَشهادةُ أحدهم أربع شهادات» ۳- اسلام، حامی حقوق زن است. زن نیز با چهار سوگند می‌تواند اتهامی را که مرد با چهار سوگند اثبات کرده، از خود دفع کند. «أربع شهادات... أربع شهادات» ۴- اسلام برای پیشگیری از فرو پاشی نظام خانواده، علاوه بر چهار بار خدا را گواه گرفتن، گفتن جمله‌ی پنجمی را نیز بر هر یک از طرفین واجب کرده است. «والخامسة» ۵- با سوگند زن، راه سوء استفاده مردان بسته می‌شود. «و یدروا عنها العذاب» ۶- نفرین بر خود، در شرایطی جایز است. «غضب الله علیها» ۷- اجرای قوانین و دستورات خداوند به نفع خود مردم است. «و لولا فضل الله علیکم» ۸- عذر پذیری خداوند، با مصلحت و حکمت همراه است. «تَوَابٌ حکیم» ۹- قوانین کیفری اسلام، احکامی سنجیده و برخاسته از حکمت الهی است. «حکیم»

آیه ۱۱ تا ۱۵

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا نَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱) همانا کسانی که آن دروغ بزرگ را (در میان) آوردند، گروهی از خود شما بودند. آن را برای خود شرّ نپندارید، بلکه آن (در نهایت) به نفع شماست. هر کدام از آنان بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است، به کیفر رسد و برای کسی که بخش بزرگ گناه را بر عهده گرفته عذاب بزرگی است. نکته‌ها: کلمه‌ی «افک» در لغت، به معنای انصراف از حقّ به

باطل است. تهمت زدن نیز نوعی پوشاندن حق و جلوه دادن باطل است. برخی مفسران درباره‌ی شأن نزول این آیه گفته‌اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر سفری با قید قرعه یکی از همسرانش را همراه می‌برد. در جنگ «بنی مطلق» عایشه را برد. وقتی که نبرد پایان یافت و مردم به مدینه باز می‌گشتند، عایشه برای تطهیر و یا یافتن دانه‌های گردنبند گمشده‌اش از قافله عقب ماند. یکی از اصحاب که او نیز از قافله دور مانده بود، عایشه را به لشکر رساند. بعضی افراد به عایشه و آن صحابی، تهمت ناروا زدند. این اتهام به گوش مردم رسید، پیامبر ناراحت شد و عایشه به خانه‌ی پدر رفت و گریه‌ها کرد تا آن که این آیه نازل شد. (۱۷) جمعی دیگر از مفسران و خصوصاً نویسندگان تفسیر «اطیب البیان» با استفاده از روایات متعدّد و مستند نقل می‌کنند که این آیه درباره‌ی «ماریه قبطیه» (یکی دیگر از همسران رسول خدا) است، که خداوند به او فرزندی به نام «ابراهیم» داد، ولی پس از ۱۸ ماه از دنیا رفت. عایشه و حفصه گفتند: ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنی؟ ابراهیم فرزند تو نبود، بلکه شخص دیگری غیر از تو با ماریه همبستر شده و ابراهیم متولد شده است. اینجا بود که این آیه نازل شد. علامه جعفر مرتضی در کتاب گرانقدر (حدیث الافک) نیز این بیان را تأیید می‌کند در مورد هر دو شأن نزول سؤال‌اتی مطرح است ولی هدف ما در این تفسیر، پیام‌گیری از متن آیات است و درباره‌ی شأن نزولها بحث گسترده‌ای نداریم. در ماجرای افک چندین گناه نهفته است: دروغ، سوءظن به مؤمن، ایدای مؤمن، تهمت، اهانت، آزدن پیامبر صلی الله علیه و آله، تضعیف خاندان رسالت و شایعه‌پردازی. پیام‌ها: ۱- افراد فاسق، از نسبت دادن زنا به همسر پیامبر نیز ابایی ندارند. «جاء و بالافک» ۲- گاهی شایعه‌سازان، با سازماندهی قبلی و قصد توطئه، شایعه را القا می‌کنند. «عُصْبَةُ» «عُصْبَةُ» یعنی گروه متشکل و متعصبی که هدفی را دنبال می‌کند) ۳- مراقب شایعه‌سازان در میان خود باشید. «منکم» ۴- گاهی در پیش آمدهای تلخ منافعی وجود دارد. (مانند روشن شدن چهره‌ی منافقان، هوشیاری مردم، امدادهای الهی برای مظلوم) «لا تحسبوه شراً لکم» ۵- امید دادن به خودی‌ها در برابر توطئه و تهمت بدخواهان لازم است. «بل هو خیر لکم» ۶- کیفی‌های الهی، عادلانه و متناسب با اعمال ماست. «لکل امری منهم ما اکتسب» ۷- در گناهان دسته‌جمعی، هر یک از افراد به مقدار سهم خود مجرم است. «لکل امری منهم ما اکتسب من الاثم» ۸- انسان زمانی مجرم و مقصّر است که با علم و قصد گناه کند. «اکتسب من الاثم» ۹- پیامد گناه هر کس گریبان‌گیر خود اوست. «لکل امری منهم ما اکتسب من الاثم» ۱۰- مجازات کسی که مسئولیت و نقش اصلی را در ارتکاب جرم دارد، بزرگ‌تر است. «والذی تولى کبره... له عذاب عظیم» لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲) چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمتی بزرگ و آشکار است؟ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فِإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ (۱۳) چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند، آنان نزد خدا همان دروغ‌گویانند. نکته‌ها: خداوند در این آیه، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب‌پذیری آنان در برابر شایعات، توبیخ می‌کند. قرآن گاهی به جای کلمه‌ی «دیگران» کلمه‌ی «شما» را به کار برده است تا به مسلمانان بگوید: همه‌ی شما یکی هستید. مثلاً به جای این که بگوید: به دیگران نیش و طعنه نزنید، می‌فرماید: «لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ» (۱۸) به خودتان نیش نزنید. و به جای این که بگوید: وقتی که وارد خانه‌ای شدید به دیگران سلام کنید، می‌فرماید: «فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ» (۱۹) به خودتان سلام کنید. در این آیه نیز به جای این که بگوید: به دیگران حسن ظن داشته باشید می‌فرماید: «ظَنَّ... بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا» به خودتان حسن ظن داشته باشید. در قرآن کریم، کلمه‌ی «لولا» در موارد متعددی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در این جا چند مورد را ذکر می‌کنیم: ۱- (لولا ينهاهم الزناتيون) (۲۰) چرا علما نهی از منکر نمی‌کنند؟ ۲- (لولا اذ سمعتموه) (۲۱) چرا هر شنیده‌ای را می‌پذیرید؟ ۳- (لولا جاءوا عليه بأربعة شهداء) (۲۲) چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی‌آورند؟ ۴- (لولا تستغفرون) (۲۳) چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟ ۵- (فلولا اذ جاءهم بأشئنا تضرعوا) (۲۴) چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید، تضرع نکردند؟ ۶- (فلولا تشكرون) (۲۵) چرا شکرگزار نیستید؟ ۷- (فلولا تصدقون) (۲۶) چرا تصدیق نمی‌کنید؟ ۸- (فلولا تذكرون) (۲۷) چرا عبرت نمی‌گیرید؟ ۹- (فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة

لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (۲۸) چرا از هر فرقه‌ای دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟ پیام‌ها: ۱- دامن زدن به شایعه و پخش آن، ممنوع است. «لولا» نشانه توییخ از سوءظن و پخش شایعات است) ۲- در جامعه‌ی اسلامی باید روحیه‌ی حسن ظن حاکم باشد. «ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» (حسن ظن، یکی از آثار ایمان است). ۳- همه‌ی مردم در برابر آبروی یک «فرد» مسئول هستند. «المؤمنون و المؤمنات» ۴- بنی آدم اعضای یکدیگرند. تهمت به هر عضوی از جامعه‌ی اسلامی، همانند تهمت به دیگر اعضاست. «بأنفسهم خيراً» ۵- اصل اولیه در عمل مسلمان، صحت است، مگر جرم او با دلیل ثابت شود. «ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» ۶- حفظ حریم پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش بر هر مؤمنی واجب است. «لولا... قالوا هذا إفك مبین» ۷- در برابر شنیده‌های ناروا در مورد مؤمنان، سکوت ممنوع است. «لولا... قالوا هذا إفك مبین» ۸- جامعه‌ی ساده‌دل، زودباور و یاوه‌گو، توییخ می‌شود. «لولا جاء و علیه بأربعة» ۹- اتهام زنا اگر ثابت نشود، نسبت دهنده‌ی آن دروغگو است. «هم الكاذبون» و لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴) و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن سخنان که گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می‌رسید. نکته‌ها: کلمه‌ی «أفَضْتُمْ» از «إفاضة» در موردی به کار می‌رود که در مسئله‌ای بسیار گفتگو شود و همه را به خود مشغول سازد و این نشان می‌دهد که تهمت به همسر پیامبر مسئله‌ی روز شده و همه به آن مشغول بودند. پیام‌ها: ۱- انسان خوش‌باور و بی‌مبالا، در معرض پذیرش تهمت‌ها، توطئه‌ها و عذابی سخت است. «و لولا... لمسكم عذاب عظیم» ۲- امت اسلامی تحت حمایت و لطف خداست. «و لولا فضل الله...» ۳- هیچ کس از خداطلبی ندارد. رحمت و لطف، از فضل اوست نه استحقاق ما. «فضل الله عليكم و رحمته» ۴- شایعات به منزله‌ی گردابی است که برخی در آن غرق می‌شوند. «أفَضْتُمْ فِيهِ» إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵) آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می‌گرفتید و آنچه را به آن علم نداشتید، دهان به دهان می‌گفتید و این را ساده و کوچک می‌پنداشتید، در حالی که آن نزد خدا بزرگ است. نکته‌ها: زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف زدن، نه درد می‌گیرد و نه خسته می‌شود. شکل و اندازه‌ی آن کوچک، اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند کافرانی که با گفتن یک جمله (شهادت به یگانگی خداوند) مسلمان و پاک می‌شوند و مسلمانانی که با گفتن کفر به خدا، یا انکار احکام دین، کافر و نجس می‌شوند. زبان، از یک سو می‌تواند با راستگویی، ذکر و دعا و نصیحت دیگران، صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش زدن به این و آن، کدورت ایجاد کند. زبان کلید عقل و چراغ علم و ساده‌ترین و ارزان‌ترین وسیله‌ی انتقال علوم و تجربیات است. علمای اخلاق درباره‌ی زبان کتابها و مطالب بسیاری نوشته‌اند. پیام‌ها: ۱- پذیرش آنچه بر سرزبان‌هاست، بدون تحقیق محکوم است. «تلقونه بالسننکم» ۲- سخن باید بر اساس علم باشد. «تقولون بأفواهکم ما لیس لکم به علم» ۳- آبروی مردم را ساده ننگریم. «و تحسبونه هیناً» ۴- نقل تهمت‌ها و شایعات از گناهان کبیره است. «و هو عندالله عظیم» ۵- کوچکی یا بزرگی گناه را باید خداوند تعیین کند. «عندالله عظیم» ۶- همه‌ی محاسبات انسان واقع بینانه نیست. «تحسبونه هیناً و هو عندالله عظیم» ----- (۱۷) تفسیر ابن کثیر. (۱۸)

حجرات، (۱۹. ۱۱) نور، (۲۰. ۶۱) مائده، (۲۱. ۶۳) نور، (۲۲. ۱۲) نور، (۲۳. ۱۳) نمل، (۲۴. ۴۶) انعام، (۲۵. ۴۳) واقعه، (۲۶. ۷۰) واقعه، (۲۷. ۵۷) واقعه، (۲۸. ۶۲) توبه، ۱۲۲.

آیه ۱۶ تا ۲۰

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶) چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این باره حرفی بزنیم. (پروردگارا) تو منزهی، این بهتانی بزرگ است. نکته‌ها: در سه آیه پی‌درپی کلمه‌ی عظیم آمده است: یک بار «عذاب عظیم» و دو بار (با دو بیان) «بهتان عظیم» تا بگوید گناه بزرگ کیفر بزرگ دارد. سخن ناروا نسبت به

مردم، سبب بهت آنان می‌شود، لذا به آن «بهتان» گفته می‌شود. پیام‌ها: ۱- نهی از منکر واجب است. «و لولا اذ سَمِعْتُمُوهُ» (سخن گفتن برای دفاع از آبروی مسلمان واجب است) ۲- انسان در برابر شنیده‌ها، مسئول است. «لولا اذ سَمِعْتُمُوهُ» ۳- هنگام برخورد با مسائل مهم، «سبحان الله» بگویید. «سبحانک» ۴- تمام دنیا متاع قلیل است، ولی بهتان به مسلمان نزد خداوند عظیم است. «بهتان عظیم» **يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (۱۷) و خداوند شما را موعظه می‌کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت‌ها را تکرار نکنید. **وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** (۱۸) خداوند برای شما آیات خود را بیان می‌کند و او دانا و حکیم است. پیام‌ها: ۱- مردم به موعظه نیاز دارند. «يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ» ۲- واعظ اصلی خداست. «يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ» ۳- ایمان شرط تأثیر موعظه است. «يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ ... ان كنتم مؤمنين» ۴- موعظه باید در مسیر حفظ آبروی مردم و جلوگیری از سوء ظن باشد. «يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۵- دامن زدن به سوء ظن و افتراء، سبب محو ایمان است. «يَعْظُمُكُمُ ... ان كنتم مؤمنين» ۶- پشیمانی از گذشته کافی نیست، گناه را نباید تکرار کرد. «تعودوا لمثله» ۷- تکرار نکردن تخلف، نشانه‌ی ایمان است. «تعودوا لمثله ان كنتم مؤمنين» ۸- تهمت نزنید و عمل مسلمان را حمل بر صحت کنید. «ان تعودوا لمثله» ۹- گناهکاران را به توبه از گناه موعظه کنید. «يَعْظُمُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۱۰- سرچشمه دستورات اسلام، علم و حکمت الهی است. «علیم حکیم» ۱۱- مقتضای علم و حکمت الهی، بیان احکام برای مردم و رها نکردن آن‌هاست. «و يُبَيِّنُ اللَّهُ ... علیم حکیم» **إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَمَّا تَعْلَمُونَ** (۱۹) **وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ** (۲۰) همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها درباره‌ی اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است (شما را سخت کیفر می‌داد). نکته‌ها: اشاعه‌ی فحشا، گاهی با زبان و قلم است و گاهی با ایجاد مراکز فحشا و تشویق دیگران به گناه و قرار دادن امکانات گناه در اختیار آنان. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که آن چه را درباره‌ی مؤمنی بشنود، برای دیگران بازگو کند، جزء مصادیق این آیه است. (۲۹) در حدیث می‌خوانیم: کسی که کار زشتی را شایع کند، مانند کسی است که آن را مرتکب شده است. (۳۰) پیام‌ها: ۱- ما در برابر علاقه و خواسته‌های خود مسئولیم. «يُحِبُّونَ ... لهم عذاب» ۲- علاقه به گناه، مقدمه‌ی گناه است. در راه نهی از منکر، علاقه به منکر را محو کنیم. «يُحِبُّونَ ...» ۳- در میان گناهان، تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن، گناه کبیره است، ریختن آبروی مؤمن است. «يُحِبُّونَ ... عذاب الیم» ۴- علاقه به ریختن آبروی دیگران، در همین دنیا کیفر دارد. «فی الدنیا» ۵- کسانی که دنبال بی‌آبرو کردن دیگران هستند، نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند. «عذاب الیم فی الدنیا» ۶- ما عمق فاجعه‌ی تهمت را نمی‌دانیم. «و انتم لا تعلمون» ۷- چه بسا سرچشمه‌ی برخی از عذاب‌های دنیوی که نصیب ما می‌شود، علاقه به بی‌آبرو شدن دیگران است. «و انتم لا تعلمون» —

تفسیر (۲۹) —

کنزالدقائق. (۳۰) تفسیر کنزالدقائق.

آیه ۲۱ تا ۲۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام‌های شیطان شود، همانا که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی‌شد. ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می‌سازد و خداوند شنوا و دانا است. نکته‌ها: در آیات ۱۴، ۲۰ و ۲۱ سه بار سخن از فضل و رحمت خداوند آمده است تا بگوید اگر لطف او نبود، معلوم نبود وضع شما چگونه باشد! «خطوات» جمع «خطوة» به معنای گام است. قرآن در مورد نحوه‌ی منحرف کردن شیطان، عبارت «خطوات شیطان» را به کار برده

است تا بگوید: شیطان، گام به گام انسان را به سوی انجام گناهان می‌کشد. در قرآن چند مرتبه از «خُطوات الشیطان» سخن به میان آمده است؛ یک جا می‌فرماید: «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ» (۳۱) همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. و در جای دیگر می‌فرماید: «كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ» (۳۲) از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و مواظب گام‌های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید. در این آیه نیز پیرامون اشاعه‌ی فحشا نسبت به مؤمنین می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید. نمونه گام‌های شیطان عبارت است از: دوستی با افراد فاسد، شرکت در مجالس آنان، ارتکاب گناهان کوچک، و پس از آن گناهان بزرگ و در نهایت قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم. پیام‌ها: ۱- به ایمان خود مغرور نشویم، توجه به هشدارهای پی در پی لازم است. «یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا» ۲- شیطان برای گمراه کردن مؤمنان، بیش از دیگران تلاش می‌کند. «یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا خُطْوَاتِ» ۳- سیاست شیطان، نفوذ تدریجی و گام به گام است. «خُطْوَاتِ» (از همان گام اول مواظب باشیم). ۴- انسان به ناچار باید راهی را طی کند و گامی بردارد، مهم انتخاب راه مستقیم و دوری از گام‌های شیطان است. «خُطْوَاتِ» ۵- اشاعه‌ی فحشا، از گام‌های شیطانی است. (با توجه به آیه قبل) «لا تتبعوا خُطْوَاتِ الشیطان» ۶- با مردم مستدل سخن بگوییم. خداوند می‌فرماید: از شیطان پیروی نکنید، (سپس دلیل آن را ذکر می‌کند): زیرا او به گناه فرمان می‌دهد. «فإنه يأمر بالفحشاء...» ۷- شیطان به کسی فرمان می‌دهد که اهل پیروی از او باشد. «و من یتبع خُطْوَاتِ... فإنه یأمر...» ۸- کار شیطان، با نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می‌دهد، «فإنه یأمر بالفحشاء و المنکر» اما نماز انسان را از گناه باز می‌دارد. «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر...» (۳۳) ۹- تزکیه، بدون توفیق الهی امکان ندارد. «ولولا... ما زکی...» ۱۰- انسان در هر لحظه به لطف خداوند نیاز دارد. (تکرار جمله «لولا فضل الله» در این آیه و آیات قبل) ۱۱- در مسیر زندگی انسان، فریب و فحشا وجود دارد، ولی راه توبه و نجات نیز باز است. «و لولا فضل الله» ۱۲- حتی اولیای خدا به توفیق الهی نیاز دارند. «ما زکی منکم من أحد» ۱۳- خداوند حکیم، به مقدار لیاقت و ظرفیت افراد، خیر و سعادت نازل می‌کند. «من یشاء» ۱۴- علم به اینکه خدا همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. «والله سمیع علیم» و لما یأتل أولوا الفضل منکم والسعیه ان یؤتوا اولی القربی و المساکین و المهاجرین فی سبیل الله ویعفوا ویصیفحوا ألا تحبون ان یغفر الله لکم و الله عفور رحیم (۲۲) صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان در گذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است. نکته‌ها: کلمه‌ی «یأتل» از ریشه «ألو» به معنای کوتاهی کردن و یا از «الی» به معنای سوگند یاد کردن است، همانند «ایلاء» در مباحث فقهی. (۳۴) «عفو» به معنای بخشیدن است و «صیفح» به معنای نادیده گرفتن که مرحله بالاتر از عفو است. بعضی گفته‌اند که «صفح» آن عفوی است که در آن ملامت نباشد. در آیات قبل از کسانی که تهمت می‌زنند به شدت انتقاد شد، بعضی از اصحاب سوگند یاد کردند که به افراد تهمت‌زن هرگز انفاق نکنند، این آیه می‌فرماید: به خاطر لغزشهای قبل، محرومان را بی‌نصیب نگذارید. (شان نزول) پیام‌ها: ۱- مرفهین در برابر محرومان مسئول هستند. «و لا یأتل...» ۲- مهم‌تر از انفاق، استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است. «و لا یأتل» ۳- در انفاق، هم از وسعت مالی و هم از امکانات دیگر خود استفاده کنید. «اولوا الفضل... والسعیه» ۴- در کمک کردن، بستگان اولویت دارند. «اولی القربی» ۵- در پیمودن مراحل کمال، بلند همت باشید و به حداقل اکتفا نکنید. ابتدا کلمه‌ی «عفو» آمده، در مرحله‌ی بالاتر «صفح» آمده است. «و لیعفوا ولیصفحوا» ۶- کسی که دیگران را ببخشد، به بخشش الهی نزدیکتر است. (عفو و گذشت وسیله‌ی جلب مغفرت الهی است) «الا تحبون ان یغفر الله لکم» ۷- هدف از عفو و گذشت دیگران، کسب مغفرت خدا باشد، نه چیز دیگر. «الا تحبون ان یغفر الله لکم» ۸- در شیوه‌ی تبلیغ، از احساسات و عواطف مردم کمک بگیریم. «الا تحبون» ۹- رهبران دینی باید مردم را به انفاق و عفو و گذشت تشویق کنند. (تمام آیه) «ان الذین یرمون المخصیات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم» (۲۳) همانا کسانی که به زنان پاکدامن و باایمان و بی‌خبر (از هرگونه

آلودگی) و نسبت بد می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است. نکته‌ها: با اینکه در قرآن، کافران، پیمان شکنان، قاتلان، طرفداران طاغوت، منافقان، مفسدان، مشرکان، مستکبران، ظالمان، کتمان کنندگان حق و دروغگویان مورد لعنت قرار گرفته‌اند، ولی لعنت دنیا و آخرت همراه با عذاب عظیم، مخصوص کسانی است که آبروی افراد پاک را می‌برند. امام صادق علیه السلام این آیه را گواه بر آن دانستند که نسبت ناروا به زنان پاکدامن و عقیف از گناهان کبیره است. (۳۵) پیام‌ها: ۱- آسیب‌پذیری زن بیشتر است، باید به افراد آسیب‌رسان هشدار داد. «یرمون المحصنات» ۲- کسی که پاک‌تر است تهمت به او خطرناکتر است. «المحصنات الغافلات المؤمنات» ۳- تهمت، علاوه بر عذاب آخرت، در دنیا نیز کیفر دارد. «لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا» (لعنت در دنیا، با اجرای حد و رد گواهی او به عنوان فاسق است). ۴- حمایت از حقوق زن، از برنامه‌های قرآنی است. «یرمون... لُعِنُوا» یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان، علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند گواهی می‌دهند. نکته‌ها: مسأله‌ی گواهی دادن اعضای بدن در قیامت، بارها در قرآن مطرح شده است. در سوره‌ی فصّلت می‌خوانیم: «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۳۶) هنگامی که به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهانی که انجام داده‌اند، گواهی دهند. در سوره‌ی یس می‌خوانیم: «أَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۳۷) در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست‌هایشان با ما سخن گویند و پاهایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهند. چون در شهادت، باید در مورد دیگری گواهی داد، پس معلوم می‌شود جوهر و شخصیت انسان غیر از اعضای بدن اوست که علیه او شهادت می‌دهند. زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند. پیام‌ها: ۱- در دادگاه قیامت، انسان حتی مالک اعضای خود نیست. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ السِّنْتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ» ۲- گواهی‌دادن، به درک و شعور نیاز دارد. بنابراین اعضای بدن آنچه را انجام می‌دهند درک می‌کنند، گرچه ما نفهمیم. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ السِّنْتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ» ۳- در قیامت، بر تمامی گفتار و رفتار گواه آورده می‌شود. «بما كانوا يعملون» یَوْمَ تَذُورُ فِيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵) در آن روز، خداوند جزای حق آنان را بی‌کم و کاست خواهد داد و آنان خواهند دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است. نکته‌ها: کلمه‌ی «دین» در آیه، یا به معنای جزاست و یا به معنای شریعت. بنابراین معنای آیه یا چنین است که در قیامت، خداوند جزای مردم را کامل می‌دهد و یا آنکه شریعت حقّه در آن روز عرضه خواهد شد و همه‌ی مکتب سازان خیالی خواهند فهمید که خداوند همان معبود حقّ و آشکار است. (۳۸) در دنیا بخاطر محدودیت‌هایی که هست کیفر کامل داده نمی‌شود. مثلاً- اگر خلبانی شهری را بمباران کرد و هزاران نفر را کشت، ما در دنیا چگونه او را کیفر کنیم، امّا در قیامت محدودیت نیست و مجرم بارها در دوزخ سوخته و دوباره زنده می‌شود. پیام‌ها: ۱- تنها در قیامت است که کیفرها بطور کامل داده می‌شود. «یَوْمَ تَذُورُ فِيهِمُ» ۲- کیفرهای الهی در قیامت بر اساس شهادت و گواهی و حقّ است. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ... يَوْمَ تَذُورُ فِيهِمُ اللَّهُ» ۳- خداوند از کیفر و پاداش کسی نمی‌کاهد. «يَوْمَ تَذُورُ فِيهِمُ» ۴- در قیامت، وقتی پرده‌های غفلت، غرور، جهل، تبلیغات کاذب و هوسها کنار می‌روند، مردم حقیقت را می‌فهمند. «و يعلمون... هو الحقّ»

----- (۳۱) بقره، ۲۰۸. (۳۲) بقره، ۱۶۸. (۳۳) عنکبوت، ۴۵. (۳۴) مفردات راغب. (۳۵) بحار، ج ۷۶،

ص ۹. (۳۶) فصّلت، ۲۰. (۳۷) یس، ۶۵. (۳۸) تفسیر المیزان.

آیه ۲۶ تا ۳۰

الْخَيْشَاتُ لِلْخَيْشَانِ وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲۶)
 زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه درباره ایشان می‌گویند منزّهند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است. نکته‌ها: این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند

که در انتخاب همسر باید دقت کرد و اصل را بر ایمان و پاکدامنی گذاشت، نه زیبایی و ثروت. معنایش این نیست که اگر مردی یا زنی خوب بود حتماً همسرش نیز خوب بوده و مشمول مغفرت و رزق کریم و اهل بهشت است. زیرا قرآن ملائک را ایمان و تقوا و عمل صالح می‌داند و لذا با اینکه حضرت نوح و لوط، طیب بودند، اما همسرانشان از خبیثات و دوزخی‌اند. کلمه‌ی «طیب» به معنای دلپسند و مطلوب است و در قرآن در توصیف مال، ذریه، فرزندان، کلام، شهر، همسر، غذا و رزق، مسکن، درخت و تحیت آمده است و در مقابل آن کلمه‌ی «خبیث» است که آن هم برای مال، انسان، همسر، سخن، عمل و شجره به عنوان وصف مطرح شده است. این آیه را چند نوع می‌توان معنا کرد: الف: با توجه به آیات قبل که درباره‌ی تهمت به زنان پاکدامن و ماجرای افک بود و با توجه به جمله‌ی: «مَبْرُؤُونَ مِمَّا يَقُولُونَ»، معنای آیه این باشد که کلمات خبیث مثل تهمت و افتراء، شایسته افراد خبیث و سخنان پاک شایسته‌ی افراد پاک است و مردم پلید سخن زشت می‌گویند و مردم پاک، سخنان پاک می‌گویند. ب: ممکن است مراد آیه بیان یک حکم شرعی باشد که ازدواج پاکان با ناپاکان ممنوع است. نظیر آیه اول همین سوره که فرمود: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْاَزَانِيَةَ» مرد زناکار جز زن زناکار را به همسری نگیرد، همان گونه که روایتی از امام باقر علیه السلام این معنا را تأیید می‌کند. (۳۹) ج: ممکن است مراد آیه همسویی فکری، عقیدتی، اخلاقی و به اصطلاح هم‌شان و هم کفو بودن همسر باشد. یعنی هر کس بطور طبیعی به سراغ همفکر خود می‌رود. ذره‌ای که در همه ارض و سماست جنس خود را همچو گاه و کهرباست ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبند در قرآن، برای رزق اوصافی ذکر شده است از جمله: «رِزْقًا حَسَنًا» (۴۰)، «رِزْقًا كَرِيمًا» (۴۱)، «رِزْقًا لَّهِ حَلَالًا طَيِّبًا» (۴۲)، «يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۴۳)، «يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (۴۴) پیام‌ها: ۱- طبع افراد پلید چنین است که به سراغ پلیدی‌ها می‌روند، برخلاف افراد پاک طینت که به سراغ خوبی‌ها می‌روند. «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ... الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ» ۲- استفاده از نعمت‌ها و طیبات، حق اهل ایمان است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ» ۳- سالم ماندن نسل‌های پاک، از توصیه‌های قرآن است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ» ۴- حمایت از پاکدامن‌ها لازم است. «اولئک مبرؤن مِمَّا يَقُولُونَ» ۵- معنویات بر مادیات مقدم است. (در قرآن هر جا عبارت «رزق کریم» آمده، قبلش عبارت «لهم مغفرة» آمده است.) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسْتَلِمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این دستور به نفع شماست، شاید پند گیرید. نکته‌ها: معنای «استیناس»، اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته‌ی روایات می‌تواند با ذکر خدا باشد و یا با سلام کردن و امثال آن. (۴۵) شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارم! حضرت فرمود: آیا دوست داری مادرت را بدون لباس مناسب ببینی؟ گفت نه. فرمود: پس اجازه بگیر. در روایتی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله از ورود مردان به خانه زنانی که همسران آنان حضور ندارند نهی فرمود. (۴۶) در روایات می‌خوانیم: اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند. و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی، اجازه لازم نیست. (۴۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر گاه می‌خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روبروی در خانه نمی‌ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد. (۴۸) پیام‌ها: ۱- اهل ایمان، در امور زندگی باید از وحی الهی دستور بگیرند. «یا ایها الذین آمنوا» ۲- امتیت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. «لا تَدْخُلُوا» (ورود به حریم دیگران به صورت سرزده، حرام است.) ۳- از مواضع تهمت دوری کنید. «لا تَدْخُلُوا... ذَلِكُمْ خَيْرٌ» ۴- باز بودن در خانه، دلیل جواز ورود نیست. «لا تَدْخُلُوا» ۵- مالکیت افراد محترم است. «لا تَدْخُلُوا» ۶- برخورد مؤمنان با یکدیگر، باید با محبت همراه باشد. «تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا» ۷- از هر کاری که موجب شکستن حریم حیا و حجاب می‌شود، دوری کنید. «تَسْتَأْذِنُوا» ۸- وارد شونده باید سلام کند، هر که باشد. «تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا» (سلام کردن لازم نیست از کوچکتر به بزرگتر باشد.) ۹- مراعات ادب و حق دیگران، سرچشمه‌ی سعادت بشر است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ» ۱۰- دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» ۱۱-

آداب و اخلاق دینی، همان ندای فطرت است، لیکن فطرت بیدار و هشیار. «تَدَكْرُونَ» فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸) پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه‌ی ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که بازگردید، برگردید (و ناراحت نشوید). این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. پیام‌ها: ۱- ورود به خانه‌ی دیگران، بدون اجازه‌ی صاحب خانه، حرام است. «فَلَا تَدْخُلُوا» ۲- ورود، اجازه‌ی قطعی می‌خواهد، «حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ» ولی عدم ورود نیاز به صراحت صاحبخانه ندارد، بلکه به مجرد پیدا شدن علائم نارضایتی بازگشتن لازم است. «إِذَا قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» ۳- ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد؛ خواه اذن دهنده صاحب خانه و مالک باشد، یا مقام مجاز دیگر نظیر حاکم اسلامی. (جمله «یؤذن» مجهول آمده تا اصل اذن را ثابت کند و نامی از اذن دهنده نیامده است) ۴- توقف پشت در خانه‌ی مردم ممنوع است. «ارْجِعُوا» ۵- نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است. «ارْجِعُوا» ۶- عذر صاحب خانه را بپذیریم و خود را به صاحب خانه تحمیل نکنیم. «ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» ۷- صفا، صمیمیت و نداشتن توقع بیجا، از برکات اخلاق اسلامی است. «ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» ۸- راه خودسازی و تزکیه، عمل به آداب اسلامی و مراعات حقوق مردم است. «ارْجِعُوا - هو از کی لکم» ۹- گاهی رشد انسان به این است که سر او به سنگ بخورد. «ارْجِعُوا - هو از کی لکم» (هر برگشتی شکست نیست). ۱۰- ملا-ک در تنظیم روابط اجتماعی مردم، رشد و طهارت است. «از کی لکم» (اوامر و نواهی خداوند، راه رشد و طهارت است). ۱۱- علم خداوند به عملکرد ما رمز تشویق و تهدید ماست. «بما تعملون علیم» لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹) بر شما گناهی نیست که به منازل غیر مسکونی که در آن متاعی دارید وارد شوید و خداوند به آنچه آشکار و یا کتمان می‌کنید آگاه است. نکته‌ها: حساب مراکز عمومی که ساکنین خاصی ندارد، مثل هتل‌ها، کاروانسراها، فروشگاه‌ها و ادارات که درب آنها به روی همه باز است و مردم از رفت و آمد به آنجا بهره‌مند می‌شوند، از حساب خانه‌های شخصی جداست و برای ورود و رفتن به آن مراکز اجازه گرفتن لازم نیست. (۴۹) پیام‌ها: ۱- رفتن به مراکز عمومی بدون داشتن هدفی سودمند، برای ولگردی و پرسه‌زدن ممنوع است. «تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ» ۲- در ورود به مراکز عمومی، خدا را در نظر بگیریم و بدانیم خداوند افکار و رفتار ما را زیر نظر دارد. «والله يعلم ما تبدون و ما تکتُمون» قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) به مردان مؤمن بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. نکته‌ها: در شأن نزول این آیه می‌خوانیم: جوانی در بین راه، زنی را دید، به او چشم دوخت و به دنبال او راه افتاد. طوری غرق نگاه بود که صورتش به دیوار خورد و مجروح شد، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را نقل کرد. این آیه نازل شد. (۵۰) روایاتی درباره‌ی نگاه: * حضرت علی علیه السلام فرمود: «لَكُمْ أَوَّلَ نَظَرَةٍ إِلَى الْمَرْثَةِ فَلَا تَتَّبِعُوهَا بِنَظَرَةٍ أُخْرَى وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ» (۵۱) نگاه اول مانعی ندارد ولی ادامه‌ی نگاه اشکال دارد، زیرا سبب فتنه می‌شود. * در حدیثی می‌خوانیم: تمام چشم‌ها در قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید، چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند. (۵۲) * در «صحیح بخاری» می‌خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جلو راه مردم ننشینید. برخی گفتند: ما ناچاریم از نشستن. فرمود: پس حق آن را ادا کنید. پرسیدند حق آن چیست؟ فرمود: «غَضَّ الْبَصَرِ وَ كَفَّ الْأَذَى وَ رَدَّ السَّلَامِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» ترک چشم چرانی و مردم آزاری، جواب دادن به سلام دیگران، امر به معروف و نهی از منکر. * حضرت عیسی علیه السلام فرمود: از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می‌نشانند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است. (۵۳) * حضرت علی علیه السلام فرمود: «الْعَيْنُ رَأْدُ الْقَلْبِ» چشم، دل را بدنبال خود می‌کشد. «الْعَيْنُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ» چشم، قلاب شیطان است. و چشم‌پوشی بهترین راه دوری از شهوات است. (۵۴) * پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ اعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَةً فِي قَلْبِهِ» (۵۵) نگاه بد تیری از تیرهای مسموم شیطان

است. هر کس از ترس خدا چشم خود را فرو بندد، خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون، شیرینی آن را احساس می‌کند. * پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند. (۵۶) پیام‌ها: ۱- لازم می‌آید ایمان، حفظ نگاه از حرام است. «قل للمؤمنین یغضوا...» ۲- جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد. «یغضوا من ابصارهم» ۳- گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوا را از چشم شروع کنیم. «من ابصارهم» ۴- چشم پاک، مقدمه‌ی پاکدامنی است. «یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» ۵- پوشش مناسب، برای مردان نیز واجب است. «یحفظوا فروجهم» ۶- چشم چرانی و بی‌عفتی، مانع رشد معنوی انسان است. «یغضوا - یحفظوا - ازکی» ۷- همواره در محضر خدا هستیم. در محضر خدا معصیت نکنیم. «یغضوا... ان الله خیر بما یصنعون»

----- (۳۹) تفسیر مجمع‌البیان. (۴۰) نحل، (۶۷) (۴۱) انفال، (۴۲) (۴۳) مائده، (۸۸) (۴۳) طلاق، (۳) (۴۴) غافر، (۴۰) (۴۵) تفسیر نورالثقلین. (۴۶) تفسیر نورالثقلین. (۴۷) تفسیر کبیر فخر رازی. (۴۸) تفاسیر کبیر و فی ظلال. (۴۹) تفسیر برهان. (۵۰) تفسیر کنزالدقائق. (۵۱) تفسیر کنزالدقائق. (۵۲) تفسیر روح‌البیان. (۵۳) غررالحکم. (۵۴) بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۸. (۵۵) بحار، ج ۷۶، ص ۳۳۶. (۵۶) تفسیر نورالثقلین.

آیه ۳۱ و ۳۲

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِينَ زینتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِیْنَهُنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أیمانَهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَیْرِ أَوْلِی الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطُّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یُظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیَعْلَمَ مَا یُخْفِينَ مِنْ زینتِهِنَّ وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعاً آیة الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱) و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گردن بپوشانند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر، یا پدر یا پدرشوهر، یا پسر، یا پسرشوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسر برادر، یا پسرخواهر، یا زنان (هم‌کیش)، یا آنچه مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتکار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمیز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و توبه کنید تا درست‌گزار شوید. نکته‌ها: با اینکه خداوند در قرآن به جزئیات احکام نماز و زکات اشاره نکرده و بیان آنها و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارده، ولی در بیان مسائل خانوادگی و تربیتی به ریزترین مسائل پرداخته است. همچون مردان که باید از نگاه آلوده به زنان پرهیزند، زنان نیز نباید از روی شهوت به مردان نامحرم بنگرند، بلکه باید نگاه خود را کنترل کنند و زینت و زیبایی خود را از نامحرم پنهانند، جز صورت و دست‌ها که به طور طبیعی ظاهر است و پوشش آنها، موجب مشکلاتی در انجام امور زندگی می‌شود. «حُمُر» جمع «خمار» یعنی روسری و «جُیوب» جمع «جیب» به معنای گردن و سینه است. امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از آیه‌ی «یَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُنَّ» آن است که حتی زنان به عورت زنان نگاه نکنند و عورت خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند. (۵۷) پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر جمله‌ی «الَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» فرمود: خداوند آن دسته از زنان را که روی و موی خود را برای شوهر آرایش نمی‌کنند و نیازهای شوهر را برآورده نمی‌سازند، لعنت کرده است. (۵۸) کلمه «اربه» به معنای حاجت و نیاز است. مراد از «اولی الاربه» خدمتگزاران و ملازمانی هستند که به جهت بالا بودن سن یا شرایط جسمی همچون ابله بودن، تمایل به همسر ندارند. (۵۹) توبه، گاهی در مورد یک گناه فردی و گاهی برای تغییر دادن یک فرهنگ فاسد عمومی است، که آیه ظاهراً درباره‌ی نوع دوم است. زیرا در جاهلیت گردن و سینه‌ی زنان باز بود. (۶۰)

حفظ حجاب و ترک جلوه‌گری، ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از: آرامش روحی، استحکام پیوند خانوادگی، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پائین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت‌های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن، و نجات از چشم‌ها و دلهای هوسبازی که امروز غرب و شرق را در خود فرو برده است. پیام‌ها: ۱- در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد فرقی نیست. «يَغْضُوا - يَغْضُضْنَ - يَحْفَظُوا - يَحْفَظْنَ» ۲- جلوه‌گری زنان، در جامعه ممنوع است. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» ۳- ظاهر بودن قسمت‌هایی از بدن که به طور طبیعی پیداست، (صورت، دست یا پا) مانعی ندارد. «الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ۴- در میان انواع پوشش‌ها، نام مقنعه و روسری آمده و این دلیل بر اهمیت پوشش سر و گردن است. «خُمْرَهُنَّ عَلَيَّ جُيُوبَهُنَّ» ۵- در وضع قانون باید به ضرورت‌ها، واقعیت‌ها و نیازها توجه شود. (اگر پوشاندن صورت و دست‌ها تا میچ، واجب می‌شود، برای عموم زنان مشکل بود) «الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ۶- اسلام به نیازهای غریزی همسران پاسخ مثبت می‌دهد. «الَّا لِبُعُولَتَهُنَّ» ۷- پوشیدن هرگونه کفش و لباسی که هنگام راه رفتن، سبب آشکار شدن زیورها و زیبایی‌های زن شود، جایز نیست. «وَلَا يَضْرِبْنَ بَارِجِلَهُنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتَهُنَّ» ۸- زن، حق مالکیت دارد. «مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ» ۹- زن، زینت خود را به زنان مسلمان نشان دهد و نزد زنان کفار خود را بپوشاند. «نَسَائِهِنَّ» (زیرا ممکن است آنها نزد شوهرانشان یا مردان بیگانه، آنچه را از زن مسلمان دیده‌اند توصیف کنند). ۱۰- حجاب و پوشش زن به خاطر تمایلات جنسی مردان است. لذا در برابر مردانی که میل به همسر ندارند پوشش لازم نیست. «غَيْرِ أُولَى الْأَرْيَةِ مِنَ الرِّجَالِ» ۱۱- حجاب و پوشش، واجب است. «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمْرُهُنَّ» ۱۲- هرکاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است. «لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتَهُنَّ» ۱۳- با حفظ حجاب، حضور زن در جامعه مانعی ندارد. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (همان گونه که شرکت زن در نماز جماعت بلامانع است. «وَأَرْكَعِي مَعَ الزَّائِعِينَ» (۶۱) ۱۴- مقتضای ایمان، توبه به درگاه خداوند است. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» ۱۵- توبه، کلید رستگاری است. «تُوبُوا... تَفْلَحُونَ» ۱۶- راه رستگاری، بازگشت از مسیرهای انحرافی است. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ... تَفْلَحُونَ» وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲) پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند و خداوند، گشایشگر دانا است. نکته‌ها: «آیامی جمع «ایم»، یعنی کسی که همسر ندارد، خواه مرد باشد یا زن، باکره باشد یا بیوه. بهترین واسطه‌گری‌ها، شفاعت و واسطه‌گری در امر ازدواج است. چنانکه در روایت آمده است: کسی که دیگری را داماد یا عروس کند، در سایه‌ی عرش خداست. (۶۲) پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی‌دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند. (۶۳) پیام‌ها: ۱- جامعه‌ی اسلامی، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است. «وَأَنْكِحُوا» ۲- ازدواج در اسلام، امری مقدس و مورد تأکید است. «وَأَنْكِحُوا» ۳- لازم نیست خواستگاری، از طرف خاصی باشد، هر یک از طرفین ازدواج می‌توانند پیشقدم شوند. «وَأَنْكِحُوا» ۴- تنها سفارش به ترک نگاه حرام، کافی نیست، مسأله‌ی ازدواج را باید حل کنیم. «يَغْضُوا، يَغْضُضْنَ، أَنْكِحُوا» ۵- زنان بیوه را همسر دهید. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى» (آیامی، شامل آنان نیز می‌شود). ۶- داشتن صلاحیت، شرط طرفین عقد است. «وَالصَّالِحِينَ» (یعنی باید صلاحیت اداره زندگی مشترک را داشته باشند). ۷- اقدام جامعه برای عروس و داماد کردن افراد صالح، تشویقی است که جوانان لائالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. «وَالصَّالِحِينَ...» (بنا بر این که مراد از صلاحیت، صلاحیت اخلاقی و مکتبی باشد). ۸- در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست. (زن، مرد، غلام و کنیز) «منکم، عبادکم، امائکم» ۹- فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...» ۱۰- در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. «يُغْنِهِمُ اللَّهُ» ۱۱- فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...» ۱۲- خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. «يُغْنِهِمُ اللَّهُ» ۱۳- تحقیق وعده‌های الهی از سرچشمه‌ی فضل بی‌پایان اوست. «فضله - واسع» ۱۴- رشد و توسعه‌ای که خداوند نصیب بندگانش

می‌فرماید، بر اساس علم و حکمت اوست. «واسع علیم»

----- (۵۷) تفسیر نورالثقلین. (۵۸) کافی، ج ۵، ص ۵۲۳. (۵۹) تفسیر کبیر فخررازی. (۶۰) آل عمران، ۴۳. (۶۱) تفسیر نورالثقلین. (۶۲) تفسیر مجمع‌البیان. (۶۳) مجموعه روایات از تفسیر نورالثقلین می‌باشد. ازدواج در اسلام ازدواج در اسلام ازدواج را امری مقدس می‌داند، بر خلاف مسیحیت که مجرد بودن را ارزش می‌داند و لذا پاپ و روحانیون مسیحی نباید ازدواج کنند و جواز ازدواج برای مسیحیان بخاطر جلوگیری از فساد بیشتر و به اصطلاح دفع افسد به فاسد است. درباره‌ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم: * امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه‌ی زندگی، در سایه‌ی ازدواج است. * کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند سوءظن برده است. * دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد. (۶۴) فوائد ازدواج ۱. انس و آرامش قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (۶۵): از نشانه‌های قدرت خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در نزد آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد. یکی از نیازهای بشر انس و الفت است و لذا تنهایی برای او دشوار است و نیاز به کسی دارد که امین و غمخوار و مهربان و رازدار او باشد تا با او انس بگیرد و عشقش را خالصانه نثار او کند. بهترین فردی که می‌تواند این نیاز را تامین کند همسر است، چه زن و چه شوهر. قرآن از میان فوائد بسیار ازدواج تنها این مورد را نام برده که معلوم می‌شود مهم‌ترین فائده است. ۲. حفظ عفت و مصونیت از گناه رسول خداصلی الله علیه وآله در یک روایت فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ أَخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (۶۶) هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است. و در روایتی دیگر فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجِيَّةٍ» (۶۷) هر که دوست دارد در قیامت خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند همسر اختیار کند. ۳. سلامتی جسم و روان دانشمندان می‌گویند: ارضای صحیح و به موقع غریزه جنسی برای سلامت جسم و جان یک ضرورت است و ترک آن باعث بیماری‌های روانی و امراضی از قبیل ضعف اعصاب، اضطراب، افسردگی، یأس، تشنج، تندخویی، بدبینی، گوشه‌گیری و گاهی سوء هاضمه و سردرد می‌شود. (۶۸) ۴. بقای نسل بقای نسل بشر در گرو ازدواج و زناشویی است و در اسلام امر تربیت نسل یکی از وظایف والدین شمرده شده که علاوه بر آثار دنیوی، در قیامت نیز مورد بازخواست قرار می‌گیرد. ۵. استقلال دختر و پسر قبل از ازدواج جزئی از خانواده و تابع والدین محسوب می‌شوند، در حالی که پس از ازدواج مستقل تصمیم می‌گیرند و مسئولیت می‌پذیرند. ۶. امنیت جامعه اگر بنیاد خانواده مستحکم باشد، از فساد، طغیان، قتل و سرقت، جنایت و تجاوز به عنف و خودکشی تا حد زیادی کاسته می‌شود، چون اکثر این موارد از افرادی سر می‌زند که از کانون گرم خانواده محرومند. (۶۹) دقت در انتخاب همسر امام صادق علیه السلام فرمود: «زن به منزله گلوبندی است که بر گردن می‌افکنی پس مراقب باش». در انتخاب همسر احساسات غلبه نکند. عجله نکنید و پس از فکر و مشورت و گفتگو اقدام کنید. بحش زیادی از اختلافات خانوادگی ریشه‌اش عدم دقت در انتخاب همسر است. همسر شریک زندگی است و تاثیرش تا پایان عمر و تا قیامت هست. معمولاً ازدواج‌های سطحی که با یک برخورد و آشنایی در اتوبوس و یا پارک صورت می‌گیرد عاقبت خوبی ندارد. ویژگی‌های همسر خوب ۱. با ایمان الف. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَآئِمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ» (۷۰) و با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر آنکه ایمان بیاورند و همان کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (زیبایی) او به شگفت آید و به مشرکان زن ندهید مگر آنکه ایمان بیاورند و همانا برده مؤمن بهتر از آزاد مشرک است هر چند از (مال و زیبایی) او شگفت زده شوید. ب. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكِ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَ الْمَالَ» (۷۱) هنگامی که مرد به خاطر مال و جمال زن با او ازدواج کند، به همان واگذار می‌شود و هر گاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را رزق او می‌سازد. ۲. خوش اخلاق امام رضا علیه السلام در جواب یکی از یارانش که

نوشته بود قصد ازدواج با کسی را دارم که خوش اخلاق نیست، فرمودند: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکن. (۷۲) اخلاق در زندگی باعث شیرینی زندگی و رشد خانواده می‌شود. اموری همچون: راستگویی، امانداری، خوش‌زبانی، خیرخواهی، گذشت و ایثار، بردباری، وظیفه‌شناسی، نجابت، کم‌توقعی، نرم‌خوئی، و... امتیازات یک انسان است که اسلام به آنها اهمیت داده است. ۳. اصالت خانوادگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّكُمْ وَحَضْرَاءُ الدَّمَنِ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسِيْنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ» (۷۳) مردم از سبزه‌هایی که بر زباله می‌روید پرهیزید. گفتند: یا رسول الله مراد شما چیست؟ فرمود: زنان زیبارویی که در خانواده‌ای ناپاک روئیده‌اند. ۴. سواد و تحصیلات علم و دانش برای انسان یک کمال و برای همسر یک مزیت است. با فرد باسواد زودتر می‌شود به تفاهم رسید و برنامه‌های بهتری برای آینده ریخت. لیکن هر باسوادی، باتدبیر نیست. متاسفانه مدارس و دانشگاه‌ها در کشور ما درس زندگی نمی‌دهند. ۵. سلامت جسم سلامت جسم از نعمتهای بزرگ الهی و از مزایای یک همسر است. در روایت است با کسانی که بیماریهای مسری دارند ازدواج نکنید. البته ازدواج با ایثارگران جانباز، لیاقت و شایستگی و از خودگذشتگی می‌خواهد. ۶. تناسب سنی انسان در سنین مختلف حالات متفاوت دارد. تمایلات جنسی نیز در هر سنی یکسان نیست، پس باید بین سن دختر و پسر تناسبی باشد و بهتر است زن چندسالی از مرد کوچکتر باشد، اما نه تفاوت فاحش (چنانچه در بعضی شهرها رسم است) که زندگی را با مشکلات فراوان روبرو می‌کند. مهریه ۱. مرد برای اثبات صداقت خویش، مهریه را نثار زن می‌کند و لذا به آن صداق می‌گویند و پشتوانه زن است در طول زندگی و پس از طلاق یا مرگ همسر. ۲. مقدار مهر در اسلام تعیین نشده، اما در احادیث از مهریه‌های سنگین و همچنین بسیار اندک مذمت شده و چنین آمده است که مهریه زیاد مایه کینه و عداوت می‌شود. (۷۴) ۳. مرد باید سعی کند در اولین فرصت که تمکن پیدا کرد مهریه زن را پردازد. ۴. زن مالک مهر است و هر کاری بخواهد می‌تواند با آن بکند، ببخشد یا تجارت کند. ۵. در روایات، به مردی که قصد دادن مهریه را نداشته باشد، سارق و زناکار اطلاق شده است. (۷۵) ۶. شیربها، اگر جزئی از مهریه باشد که برای تهیه جهیزیه بگیرند اشکال ندارد، اما اگر اضافه بر مهر باشد، نامشروع است. جهیزیه ۱. داماد، نه شرعا و نه قانونا حق مطالبه جهاز ندارد، ولی مرسوم است که خانواده عروس اسباب و لوازم زندگی را خریداری می‌کنند و این رسم خوبی است، چنانکه پیامبر نیز برای دخترش فاطمه جهیزیه تهیه کرد. ۲. جهاز برای تامین آسایش است نه فخرفروشی و خودنمایی. ۳. لیست جهاز حضرت فاطمه: ۱- یک پیراهن ۲- یک روسری بزرگ ۳- یک حله سیاه ۴- دو عدد تشک، ۵- یک تختخواب از لیف خرما ۶- چهار عدد بالش ۷- یک حصیر ۸- یک آسیاب دستی ۹- یک کاسه مسی ۱۰- یک مشک چرمی ۱۱- یک طشت لباسشویی ۱۲- یک کاسه شیر ۱۳- یک ظرف آبخوری ۱۴- یک پرده ۱۵- یک آفتابه ۱۶- یک کوزه ۱۷- یک پوست برای فرش ۱۸- دو کوزه سفالین ۱۹- یک عبا مراسم عقد و عروسی در اسلام سفارش شده مراسم عقد و عروسی با تشریفات و حضور مردم و همراه با شادی برگزار شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله عقد فاطمه زهرا علیها السلام را در مسجد در حضور انصار و مهاجرین اجرا کردند و دستور دادند بین حاضرین خرما پخش کنند. هنگام عروسی حضرت زهرا علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله به همسرانش فرمود: فاطمه را آرایش کنید و خوشبو سازید، اطاقش را فرش کنید تا او را به خانه شوهر بفرستیم. (۷۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله شب عروسی دخترش به زنان مهاجر و انصار فرمود: فاطمه را تا خانه شوهر همراهی کنید و شادی کنید، لیکن مواظب باشید چیزی نگوئید که خدا بدان راضی نباشد. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: در عروسی باید ولیمه داده شود. اما آن حضرت پول نداشت، لذا یکی از انصار داوطلب شد که گوسفندی قربانی کند.

----- (۶۴) روم، ۲۱. (۶۵) کافی، ج ۵، ص ۳۲۸. (۶۶) النوادر راوندی، ص ۱۲. (۶۷) انتخاب همسر، امینی، ص ۲۶. (۶۸) انتخاب همسر، ص ۲۹. (۶۹) بقره، ۲۲۱. (۷۰) کافی، ج ۵، ص ۳۳۳. (۷۱) کافی، ج ۵، ص ۵۶۳. (۷۲) کافی، ج ۵، ص ۳۳۲. (۷۳) مکارم الاخلاق، ص ۲۳۷. (۷۴) وسائل، ج ۱۵، ص ۲۱. (۷۵) بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۱. (۷۶) طه، ۵۰.

آیه ۳۳ تا ۳۵

وَلَيْسَ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَمَّا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَمَّا تَكَرَّهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتُغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳) و کسانى که وسیله‌ی ازدواج نمى‌یابند، پاکدامنى و عفت پیشه کنند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را بی‌نیاز نماید. و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخرید و آزادى (تدریجى) خود باشند، اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید، تقاضای آنان را بپذیرید و (برای کمک به آزاد شدن آنان) از مالی که خدا به شما داده به آنان بدهید، و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنى دارند، به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا وادار نکنید، و هر کس آنان را مجبور کند، همانا خداوند برای آنان که به اکراه وادار گشته‌اند، بخشنده‌ی مهربان است. نکته‌ها: ابتدا باید سفارش کرد که هر کس مى‌تواند ازدواج کند، سپس به غیر متأهلان سفارش عفت و پاکدامنى. (آیه «وانکحوا» قبل از آیه «ولیس‌تعفف» آمده است) چنانکه در روایات آمده است: در جاهلیت، کنیزان را برای کسب درآمد به فحشا وادار مى‌کردند. لذا خداوند مى‌فرماید: به جای آنکه کنیزان را به گناه وادار کنید، زمینه ازدواج آنان را فراهم سازید. در مورد رفتار با اسیران جنگی، یکی از این چند راه را مى‌توانیم پیش بگیریم: الف: همی اسیران را یکجا آزاد کنیم، که در این صورت، دوباره به جنگ باز مى‌گردند. ب: همه را بکشیم، که این، نشانه‌ی سنگدلی خواهد بود. ج: اسرا را در منطقه‌ای گرد آوریم و از بیت‌المال مسلمانان، مخارج آنان را تأمین کنیم. (در این طرح، باید بی‌گناهان هزینه‌ی مجرمان را پردازند). د: آنها را میان مسلمانان تقسیم کنیم تا سیره‌ی اسلام و مسلمانان را مشاهده کنند و به تدریج تحت تأثیر قرار گیرند و مسلمان شوند، سپس از راه‌های مختلف، آنها را آزاد کنیم، که این طرح، بهترین است، و طرح اسلام نیز همین است. بگذریم که نظام جنگ در آن زمان این بود که اسیر جنگی را به عنوان برده مورد استفاده قرار مى‌دادند و اسلام نیز مقابله به مثل مى‌کرد، همان گونه که امروز در دنیا اسیران را در اردوگاه‌ها قرار مى‌دهند و ما نیز باید قوانین بین‌المللی جنگ را تا آنجا که منافاتی با مذهب ما نداشته باشد بپذیریم. پیام‌ها: ۱- دسترسی نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفت لازم است. «ولیس‌تعفف» ۲- هر کجا احساس خطر بیشتر باشد، سفارش مخصوص لازم است. «ولیس‌تعفف الذین لایجدون نیکاحا» (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفت، آنان را مخاطب قرار داده است) ۳- اگر عفت و تقوا داشته باشیم، خداوند ما را بی‌نیاز مى‌کند. «ولیس‌تعفف... یغنیهم الله» (جوانان بخاطر امکانات ازدواج، به سراغ تهیه‌ی مال از راه حرام نروند و عفت و تقوای مالی از خود نشان دهند) ۴- در حفظ عفت و پاکدامنى عمومی، هم باید جوانان خود را حفظ کنند، «ولیس‌تعفف»، هم حکومت قیام کند «وانکحوا الایامی»، و هم ثروتمندان جامعه به پاخیزند. «و آتوهم من مال الله» ۵ - در هر قراردادی حَتَّى با زبردستان خود، سند کتبی داشته باشید. «مما ملکت ایمانکم فکاتبوهم» ۶- قرارداد بازخرید زبردستان باید با علم به مصلحت آنان باشد. «فکاتبوهم ان علمتم فیهم خیرا» ۷- اسلام برای آزادى بردگان، طرح‌های مختلفی دارد. یکی از آنها قرارداد بازخرید است. «فکاتبوهم» ۸- دارایی و اموال را از خود ندانید بلکه از خداست که چند روزی امانت به شما داده است. «مال الله» ۹- ثروتمندان در قبال ازدواج جوانان، مسئولیت بیشتری دارند. «و آتوهم من مال الله الذی آتاکم» ۱۰- بردگان در بستن قرارداد، هم طراز مالکان خود هستند. «فکاتبوهم» در موردی است که هر دو طرف برابر هم باشند) ۱۱- از مال الهی (بودجه‌ی زکات) هم برای آزادى بردگان و هم برای ازدواج جوانان هزینه کنید. «و آتوهم من مال الله» ۱۲- بکارگیری زبردستان در امور حرام، ممنوع است. «و لا- تکرهوا فتیاتکم علی البغاء» ۱۳- دنیاطلبی، سرچشمه‌ی گناهان است. «لا تکرهوا... لتبتغوا عرض الحیاء الدنیا» ۱۴- ثروت‌اندوزی از راه‌های نامشروع جایز نیست. «لتبتغوا عرض الحیاء الدنیا» ۱۵- دنیا زودگذر است. «عرض الحیاء الدنیا» (کلمه «عرض» به معنای عارضی و زودگذر است) ۱۶- ارزشها نباید فدای مال و مادیات شود. «لا تکرهوا... لتبتغوا» ۱۷- شخصیت

کنیزان مانند دختران آزاد است. «(فَتَيَاتِكُمْ) و نفرمود: «(امائکم)» ۱۸- اسلام حامی کنیزان است. «لاتکروهوا فتیاتکم...» ۱۹- پاکدامنی و عفت برای زن بهترین ارزش است. «ان اُردنَ تحصَّناً» ۲۰- سرچشمه بخشی از گناهان، بزرگترها هستند. «لاتکروهوا... اُردن تحصَّناً» ۲۱- افراد مجبور شده به گناه، مورد عفو قرار می‌گیرند. «فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ» وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴) همانا ما به سوی شما آیاتی روشنگر فرستادیم و از کسانی که قبل از شما بودند نمونه‌هایی برجسته پندی برای پرهیزکاران فرستادیم. پیام‌ها: ۱- خداوند با مردم اتمام حجت می‌کند. «انزلنا الیکم آیات مبینات» ۲- آیات قرآن، نور و روشنگر است. «آیات مبینات» ۳- تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است. «مثلاً من الذین خلوا من قبلکم» ۴- قرآن کتاب جامعی است. «آیات - مثلاً - موعظه» ۵- پند پذیری، دلی آماده می‌خواهد. «موعظه للمتقین» ۶- متقین نیز به موعظه نیازمندند. «موعظه للمتقین» اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵) خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد. آن چراغ در میان حبابی شیشه‌ای و آن شیشه همچون ستاره‌ای تابان و درخشان، چراغ از روغن درخت پربرکت زیتونی برافروخته شده، که نه شرقی است و نه غربی. (روغنش به قدری صاف و شفاف است) که بدون تماس آتش نزدیک است (شعله‌ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند، و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند و به هر چیزی آگاه است. نکته‌ها: «نور» یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنی اشیای دیگر می‌شود. در فرهنگ اسلام اموری به عنوان «نور» معرفی شده است: قرآن، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام. «مشکاة» یعنی چراغدان. «دُرّی» به معنای پرنور و پرفروغ است. «زیت» روغن زیتون را گویند که وسیله‌ی روشنایی بوده است. اگر درخت زیتون در وسط باغ باشد، که در تمام روز آفتاب بخورد، روغنش بهتر می‌شود، ولی اگر در اطراف باغ و مزرعه باشد، یا در وقت صبح آفتاب دارد یا عصر. «زیتونه لاشرقیه و لا غربیه» «اللّه نور السموات و الارض» یعنی: خداوند هدایت کننده‌ی آسمان و زمین است. چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است. «أعطی کل شیء خلقه ثمّ هدی» (۷۷) و جمله‌ی «نور علی نور» به معنای هدایت‌های دایمی و پی در پی است و در پایان آیه نیز می‌فرماید: «یهدی الله لنوره» قرآن در این آیه خداوند را به نور تشبیه نموده است. با مطالعه اجمالی روشن می‌شود که نور دارای خواص و ویژگی‌های زیر است: ۱- نور، لطیف‌ترین موجود در جهان ماده و سرچشمه زیبایی‌ها و لطافت‌ها است. ۲- نور، بالاترین سرعت را در جهان ماده داراست و با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه می‌تواند در یک چشم بر هم زدن (یعنی کمتر از یک ثانیه) کره زمین را هفت بار دور بزند، به همین دلیل مسافت‌های فوق‌العاده عظیم و سرسام‌آور نجومی را فقط با سرعت نور می‌سنجند و واحد سنجش آنها سال نوری است، یعنی مسافتی که نور در یک سال می‌پیماید. ۳- نور، وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات است، و بدون آن چیزی را نمی‌توان دید، بنا بر این هم «ظاهر» است و هم «مظهر» (ظاهر کننده غیر). ۴- نور آفتاب که مهم‌ترین نور در دنیای ما است پرورش دهنده گلها و گیاهان بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است. ۵- تمام انرژی‌های موجود در محیط (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می‌گیرد، حرکت بادها، ریزش باران و جریان نهرها و آبشارها و بالاخره حرکت همه موجودات زنده با کمی دقت به نور آفتاب منتهی می‌شود. سرچشمه گرما و حرارت و آنچه بستر موجودات را گرم نگه می‌دارد همان نور آفتاب است حتی گرمی آتش که از چوب درختان و یا ذغال سنگ و یا نفت و مشتقات آن به دست می‌آید نیز از گرمی آفتاب است. ۶- نور آفتاب نبود کننده انواع میکروب‌ها و موجودات موذی است و اگر تابش این نور پربرکت نبود کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می‌شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند. خلاصه هر چه در این پدیده عجیب عالم یعنی نور می‌نگریم و دقیق‌تر می‌شویم آثار گرانبها و برکات عظیم آن آشکارتر می‌شود. اما عجیب است که بشر با این همه

پیشرفت علمی از شناخت حقیقت نور که یک امر مادی است عاجز مانده و آن وقت در پی شناخت ذات و حقیقت خداست و چه بسا این نیز یکی از وجوه تشبیه خدا به نور باشد. حال اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی انتخاب کنیم (گرچه مقام با عظمت او از هر شبیه و نظیری برتر است) آیا جز از واژه «نور» می‌توان استفاده کرد؟ همان خدایی که پدید آورنده تمام هستی است، روشنی‌بخش عالم است، همه موجودات به برکت او زنده‌اند، و همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند که اگر لحظه‌ای لطف خود را از آنها باز گیرد همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می‌روند. جالب اینکه هر موجودی به هر نسبت با او ارتباط دارد به همان اندازه نورانیت کسب می‌کند: قرآن نور است چون کلام اوست. اسلام نور است چون آئین او است. پیامبران نورند چون فرستادگان اویند. امامان انوار الهی هستند چون حافظان آئین او بعد از پیامبرانند. ایمان نور است چون رمز پیوند با او است. علم نور است چون سبب آشنایی با او است. (۷۸) پیام‌ها: ۱- هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ...» ۲- نور خدا هم گسترده است و هم ثابت. (شیشه، هم نور را زیاد می‌کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می‌کند.) «الْمَصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» ۳- زیتون، درخت مبارکی است. «شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ» ۴- روشنی نور خدا از ذات اوست نه از جرعه‌های بیرونی. «يَكَادُ زَيْتُهَا يَضِيءُ» و لو لم تمسسه نار» ۵- گرچه خداوند نور آسمان‌ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در زمین، دل‌های پاک و شفاف افراد مؤمن است که با نور ایمان برافروخته می‌گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تَلَأُوْاْ بِيَشْتَرِيْ وَاوَدُ. «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ...»

----- (۷۷) تفسیر نمونه. (۷۸) بقره، ۱۲۷.

آیه ۳۶ تا ۴۰

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶) (این نور هدایت) در خانه‌هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود. در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند. نکته‌ها: در زیارت جامعه خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام می‌خوانیم: «جَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...» بنابراین حرم امامان معصوم علیهم السلام، یکی از مصادیق این آیه است. کلمه «ترفع» در آیه به معنای بلندی مکانی نیز می‌تواند باشد، نظیر آیه «اذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسماعيل» (۷۹) که حضرت ابراهیم پایه‌های کعبه را بلند ساخت. امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «بیوت» در این آیه، خانه‌های انبیا و حکما و امامان معصوم می‌باشد. (۸۰) و «ثعلبی» در تفسیر خود نقل می‌کند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول تلاوت این آیه بود. ابوبکر برخاست و پرسید: آیا خانه‌ی فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از مصادیق این آیه است؟ فرمود: آری، از بهترین مصادیق این آیه است. (۸۱) امام کاظم علیه السلام فرمود: مراد از «بالغدو و الآصال» در آیه، اوقات نماز است. (۸۲) در فرهنگ قرآن، در موارد متعددی به جای نماز، واژه تسبیح آمده است، مانند: «وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (۸۳)، (و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ) (۸۴) پیام‌ها: ۱- راهیابی به نور هدایت خداوند، با رفت و آمد به مساجد به دست می‌آید. «اللَّهُ نُورٌ... يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ... فِي بُيُوتٍ...» ۲- بلند ساختن مساجد و کانون‌های عبادت مانعی ندارد. «أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» ۳- مکان‌ها یکسان نیستند و بعضی از آنها، بر بعضی دیگر برتری دارند. «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» ۴- مساجد باید از هر جهت از خانه‌های دیگر بهتر و برتر باشند. «أَنْ تُرْفَعَ» ۵- بزرگی و عظمت، مخصوص خدا و مواردی است که او اجازه می‌دهد. «أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» ۶- اصل در استفاده از مساجد، نماز و ذکر خداست، نه مراسم دیگر. «يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ» ۷- درهای مسجد باید در اوقات نماز باز باشد و کسی حق ندارد آن را ببندد. «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» ۸- تسبیح خداوند، باید هر صبح و شام تکرار شود. «يُسَبِّحُ... بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (عنصر زمان و مکان در عبادت مؤثر است.) رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۷) مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، به

خود مشغول نمی‌سازد، آنها از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود، بیمناکند. نکته‌ها: «تجارت»، داد و ستد دائمی است که برای به دست آوردن سود انجام می‌گیرد، ولی «بیع» خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است. (۸۵) کلمه‌ی «رجال» در این آیه شامل همه‌ی بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن. در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند. (۸۶) تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می‌کند و از یاد خدا باز می‌دارد، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد. پیام‌ها: ۱- کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. «رجال» با تئوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است) ۲- تلاش و اقتصاد منهای یاد خدا، پوچ و بی‌ارزش است. «لا تُلهیهم» به جای «لا تمنعهم»، بیانگر آن است که اگر به تجارت سرگرم و از نماز غافل شدی کار تو لَهو، پوچ و بی‌ارزش است) ۳- تجارت و اقتصاد، لغزشگاه بزرگی است. «لا تُلهیهم تجاره» ۴- اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری ندارند. «لا تُلهیهم تجاره» ۵- بازار اسلامی، هنگام نماز باید تعطیل شود. «لا تُلهیهم تجاره» ۶- حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لا تُلهیهم تجاره» ۷- ترک دنیا و تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لا تُلهیهم تجاره... عن ذکر الله و...» (مردان خدا برای زندگی مادی خود تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند). ۸- ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌کند. «لا تُلهیهم... یخافون یوماً» ۹- با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت، جداگانه مطرح شده است. «ذکر الله و اقام الصلوة» ۱۰- نماز و زکات عدل یکدیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «اقام الصلوة و ایتاء الزکاة» ۱۱- دنیا، شما را از آخرت غافل نکند. «یخافون یوماً» ۱۲- صحنه‌های قیامت، چشم‌ها را خاشع و دلها را منقلب می‌سازد. «تقلّب فیہ القلوب و الابصار» ۱۳- در قیامت، معیارها عوض می‌شود. (آنچه در دنیا در دیده‌ها و دل‌ها جلوه می‌کند، در آخرت به شکل دیگری درمی‌آید. آنچه امروز به سوی آن می‌رویم، فردا از آن فرار خواهیم کرد). «تقلّب فیہ القلوب و الابصار» لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَزُوقُ مَن يَشَاءُ بغير حساب (۳۸) تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده‌اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. پیام‌ها: ۱- خداوند کم و کاستی‌های اعمال مردان خدا را جبران کرده و پاداش کامل به آنان می‌دهد. «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا» ۲- مردان خدا همواره در حال رشد بوده و ابعاد وجودی آنان گسترش می‌یابد. «بیزیدهم...» و نفرمود: «بیزید لهم...» ۳- پاداش را بیش از عمل بدهید. «و یزیدهم من فضله» (در اسلام سفارش شده است که مزد را معین کنید، ولی هنگام پرداخت بیش از آن مقدار بدهید). ۴- اگر از سود دنیا بگذرید، به سود بی حساب آخرت می‌رسید. «لا تُلهیهم تجاره - والله یرزق ... بغير حساب» (مراد از بی حساب، پاداشی فراوان و فوق انتظار است). وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹) اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی در بیابان است که تشنه، آن را آب می‌پندارد، تا آن هنگام که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت، و خدا را نزد خویش یافت که حساب او را بی‌کم و کاست داده است و خداوند به سرعت به حساب‌ها می‌رسد. نکته‌ها: کلمه «قیعة» به معنای زمین مسطح و بزرگ همچون بیابان است و «ظمان» کسی را می‌گویند که عطشش زیاد باشد. کلمه «وَفِي» به معنای پاداش و کیفر کامل و بدون کم و کاست است. پیام‌ها: ۱- شرط قبولی عمل، داشتن ایمان است و سعادت انسان نیز در گرو ایمان است. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ» (کفر سبب حبط و پوچی عمل است) ۲- اعمال کفار فریبنده است. «کسراب...» (به انگیزه‌ها بنگرید، نه به جلوه‌ها و ظاهر تلاش‌ها). ۳- در تعلیم و تربیت، استفاده از مثال و تشبیه مؤثر است. «اعمالهم کسراب...» ۴- قیامت، روز بروز حقایق است. «لم یجدہ شیئا و وجد الله عنده» ۵- سعادت خواهی، در فطرت همه انسان‌ها وجود دارد و انگیزه‌ی تمام حرکت‌ها رسیدن به خیر است، لکن تفاوت در واقع بینی و خیال گرایی است. «یحسبه... ماء» ۶- کفار در قیامت، هیچ سرمایه‌ای ندارند. «لم یجدہ شیئا» ۷- علاوه بر عقیده، اعمال

انسان در سرنوشت او مؤثر است. «لِيَجْزِيَهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمَلُوا... اعمالهم کسر اب...» ۸ - همه‌ی مردم، روزی خدا را باور خواهند کرد. «وَجِدَ اللَّهُ عِنْدَهُ» ۹- در قیامت، رسیدگی به حساب افراد هم کامل و دقیق است و هم سریع. «فَوْقَاهُ حَسَابَهُ... سریع الحساب» (برخلاف حسابرسی‌های دنیوی که یادقیق و کامل نیست و یا همراه معطلی است.) «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (۴۰) یا همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ آن را می‌پوشاند، روی آن، موج دیگری است و بالای آن ابری، ظلماتی است تو در تو (که کافر در آن‌ها غرق شده است) هنگامی که دست خود را (برای نجات) برآورد، کسی آن را نمی‌بیند (تا نجاتش دهد). و برای هر کس که خداوند نوری قرار ندهد، هیچ نوری برای او نخواهد بود. نکته‌ها: کافر عادی به اسلام نزدیک است، و امیدی به بازگشت او هست، مانند کدورت ساده‌ای که میان دو نفر وجود دارد و کار آن دو به صلح و آشتی نزدیک است. اما کافرانی که در راه کفر، تلاش‌ها و اعمال خلاف بسیاری دارند، برگشت آنان بسیار سخت است. کافری که در عقیده‌اش اصرار ورزیده و به دنبال کفرش، حق را تحقیر و جنگ‌ها کرده و بودجه‌ها خرج نموده و افرادی را دور خود گرد آورده و به این عنوان معروف شده است، بازگشت او به دامن اسلام بسیار سخت و بعید است. زیرا هر تلاش او، موجی از ظلمت بر موج‌های قبل افزوده و اعمال کفرآلودش، کفر او را محکم‌تر ساخته است. اعمال کفار به جای این که راه را برای آنان باز کند، گمراه‌ترشان می‌کند و حجایی روی حجاب‌های قبلی است. نظیر آیه‌ی «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» (۸۷) پیام‌ها: ۱- باید از الگوهای مثبت و منفی، هر دو سخن گفت. (الگوی مثبت «رَجَالٌ لَا تُلَهِیهِمْ...» و الگوی منفی: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا...» او کظلمات...» ۲- در برابر نور الهی (آیه ۳۵) که «نور علی نور» بود، در این آیه سخن از ظلمت فوق ظلمت است. «ظلمات بعضها فوق بعض» ۳- هر عملی از مؤمن، نور و هر عملی از کافر، ظلمت است. «اعمالهم... کظلمات» ۴- اعمال خوب کفار، سراب و اعمال بد آنها ظلمات است. «کسیراب... او کظلمات» ۵- علم و عقل، انسان را از نور وحی الهی بی‌نیاز نمی‌کنند. اگر نور الهی نباشد، هیچ نوری انسان را نجات نمی‌دهد. «فما له من نور»

----- (۷۹) تفسیر نورالثقلین. (۸۰) تفسیر روح المعانی. (۸۱) بحار، ج ۲۳، ص ۳۲۶. (۸۲) آل عمران، (۴۱. ۸۳) ق، (۳۹. ۸۴) تفسیر المیزان. (۸۵) تفسیر نورالثقلین. (۸۶) اسراء، (۴۴. ۸۷) تفسیر کبیر فخر رازی، روح البیان.

آیه ۴۱ تا ۴۵

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صِلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱) آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در حال پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌دانند؟ و خداوند به آنچه می‌کنند داناست. وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲) و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست. نکته‌ها: ظاهر آیه همانطور است که ترجمه شد، اما ممکن است فاعل «عَلِمَ صِلَاتَهُ» خدا باشد، نه موجودات، که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: خداوند از نیایش و تسبیح همه‌ی موجودات آگاه است. قرآن، بارها مسأله‌ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده و فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. (۸۸) از این آیات به دست می‌آید که علم و شعور، مخصوص انسان‌ها نیست. گرچه بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته‌اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است. خداوند، در این آیه چند مرتبه به صورت غیر مستقیم، به انسان هشدار داده است: الف: موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟! ب: تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟! ج: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می‌برند! در روایات می‌خوانیم: امام صادق

علیه السلام هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: این پرنده مشغول دعا و تسبیح است. (۸۹) پیام‌ها: ۱- تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید. «ألم تر» ۲- در میان موجودات هستی، پرندگان، آن هم در حال پرواز، توجه خاصی به خدا دارند. «و الطیر صافات» ۳- همه‌ی موجودات هستی، شعور دارند و نماز و تسبیح موجودات، آگاهانه است. «کلّ قد علم صلاته» ۴- نماز، در صورتی ارزش دارد که نماز گزار بداند چه می‌گوید و چه می‌کند. «کلّ قد علم صلاته» ۵- نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. «صلاته و تسبیحه» ۶- خداوند، بر جزئیات تمام هستی آگاه است. «علیم بما یفعلون» ۷- نظام هستی، هم فرمانروا دارد «وولّیٰ ملک...» و هم هدفدار است. «و الی الله المصیر» ألم تر أنّ الله یزجی سحاباً ثمّ یؤلف بینہ ثمّ یجعلہ رُکاماً فترى الودق ینزل من السّماء من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء ویصرفه عن من یشاء یکاد سینابزقه یدهب بالأبصار (۴۳) آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند. سپس بین آنها پیوند برقرار می‌کند. آن‌گاه آن را متراکم می‌سازد. پس می‌بینی که باران از میان آن بیرون می‌آید و خداوند از آسمان از ابرهائی همچون کوه، تگرگ فرو می‌فرستد. پس آن را به هر کس بخواهد می‌رساند و از هر کس بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است درخشندگی برق آن ابر، چشم‌ها را کور کند. نکته‌ها: «یزجی» به معنای حرکت آهسته همراه با دفع است. «بضاعه مزجاء» یعنی سرمایه‌ای که کم‌کم قابل دفع و برگرداندن است. کلمه «رُکام» به معنای تراکم و «ودق» به معنای باران است. کلمه‌ی «سینا» به معنای درخشش است و «سینا برق» یعنی درخشش برق. اگر کسی با هواپیما بالاتر از ابرها پرواز کند، می‌بیند که توده‌های ابر مثل کوه است و این از معجزات قرآن است که ۱۴ قرن قبل فرمود: «ینزل من السماء من جبال فیها من برد» از کوه ابر، تگرگ می‌فرستیم. پیام‌ها: ۱- سخن حق خود را با بیان نمونه‌ها تثبیت کنید. «ولّیٰ ملک السموات... ألم تر...» ۲- دقت در آفرینش، بهترین راه شناخت خدا و مایه‌ی عشق به اوست. «ألم تر...» ۳- تمام حرکات در جهان طبیعت، با قدرت و اراده‌ی الهی و برای هدفی حکیمانه انجام می‌گیرد. «یزجی، یؤلف، یجعل» ۴- عوامل طبیعی، مسیر تحقق اراده‌ی خداست، نه به جای خدا. «یزجی، یؤلف، یجعل، ینزل» ۵- بارش باران و تگرگ و مفید بودن یا مضر بودن آن به اراده خداست. «فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاء» یقلب الله الیل والنهار إن فی ذلک لعبرة لأولی الأبصار (۴۴) خداوند، شب و روز را جا به جا می‌کند. همانا در این امر برای اهل بصیرت، عبرتی قطعی است. پیام‌ها: ۱- تغییرات و آمد و رفت شب و روز، تصادفی نیست، بلکه بر اساس نظامی دقیق استوار است. «یقلب الله الیل والنهار» ۲- پدیده‌های هستی عبرت انگیز است، درباره‌ی آنها تفکر کنید. «لعبرة لأولی الابصار» ۳- کسی که اهل بصیرت باشد، می‌تواند از همه‌ی زمانها و مکانها درس بگیرد. «الیل والنهار... لأولی الابصار» ۴- تشویق به تدبّر و نهی از سطحی‌نگری، از سفارشات پی در پی قرآن است. «لعبرة لاولی الابصار» وَاللّٰهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ یَّمْشِیْ عَلٰی بَطْنِیْهِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ یَّمْشِیْ عَلٰی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ یَّمْشِیْ عَلٰی اَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللّٰهُ مَا یَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ (۴۵) و خداوند هر جنبه‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می‌رود و برخی بر دو پا راه می‌رود و بعضی بر چهار پا راه می‌رود. خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها: در این آیه، خداوند به اصناف حیوانات اشاره فرموده است: خزندگان، چرندگان و پرندگان. تفکر در ساختمان وجودی حیوانات، گامی برای خداشناسی است. حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه درباره‌ی برخی حیوانات از جمله طاووس و مورچه سخنانی آموزنده گفته است. این آیه بدنال آیه قبل است یعنی همان گونه که جابجایی شب و روز برای اهل بصیرت عبرت آموز است، آفرینش همه حیوانات از آب نیز وسیله‌ی عبرت است. ممکن است تنوین در کلمه‌ی «ماء» به اصطلاح تنوین «تنوع» باشد، یعنی خداوند انواع موجودات را از انواع آبها و مایعات مناسب خود آفرید. (۹۰) پیام‌ها: ۱- همه‌ی جنبنده‌ها با اراده‌ی او آفریده شده‌اند. «و الله خلق کلّ دابّة» ۲- اگر انسان در حرکت و رشد معنوی نباشد، در حرکت ظاهری همچون دیگر جنبندگان خواهد بود. «یمشی، یمشی، یمشی» ۳- ماده‌ی اصلی همه‌ی جنبنده‌ها آب است، «ماء» ولی قدرت‌نمایی خدا به گونه‌ای است که از این ماده‌ی ساده، این همه موجودات متنوع خلق می‌کند. «و الله خلق کلّ دابّة من ماء فممنهم... و ممنهم... و ممنهم...»

۸۸) تفسیر راهنما. (۸۹) فروق اللغة. (۹۰) بقره،

۲۵.

آیه ۴۶ تا ۵۰

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۶) به راستی که آیاتی روشن‌گر نازل کردیم و خداوند هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند. نکته‌ها: در فرق میان کلمات «سبیل» و «طریق» با «صراط» گفته‌اند که صراط به راهی می‌گویند که پیمودن آن هموار باشد و هیچ پیچیدگی و دشواری نداشته باشد. (۹۱) پیام‌ها: ۱- خداوند، با فرستادن آیات روشن‌گر، اتمام حجت کرده است. «انزلنا آیات مبینات» ۲- آیات الهی وسیله‌ی هدایت هستند ولی اصل هدایت کار اوست. «والله یهدی من یشاء...» و یقولون ءامنّا بالله وبالرّسول وأطعنا ثمّ یتولّی فریقٌ منهم من بعد ذلک وما أولئک بالمؤمنین (۴۷) و می‌گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم. امّا گروهی از آنان بعد از این اقرار، (به گفته خود) پشت می‌نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند. نکته‌ها: این آیه و آیات بعد درباره‌ی منافقان مدینه است که ادّعیای یاری پیامبر را داشتند، ولی در عمل سرپیچی می‌کردند. پیام‌ها: ۱- به شعارهای زیبا و فریبنده تکیه نکنیم، ایمان و ثبات قدم لازم است. «یقولون... یتولّی» ۲- منافقان، ادّعیای ایمان خود را تکرار می‌کنند و بر آن تأکید می‌ورزند. (کلمه «یقولون» فعل مضارع و نشانه استمرار است و تکرار حرف (باء) در «بالله و بالرّسول» نشانه‌ی تأکید است.) ۳- پیمان شکن، دین ندارد. «یقولون - یتولّی - ما اولئک بالمؤمنین» ۴- ایمان، از عمل جدا نیست. «یتولّی... و ما اولئک بالمؤمنین» (منافقان در کنار «آمنّا»، کلمه‌ی «أطعنا» را می‌آوردند، ولی در عمل بی‌اعتنا بودند.) و إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ (۴۸) و هرگاه به سوی خدا و رسولش خوانده شوند، تا پیامبر میانشان داوری کند، آن گاه است که گروهی از آنان، روی گردان می‌شوند. وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۴۹) و (لی) اگر حقّ با آنان (و به سودشان) باشد، با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می‌آیند. نکته‌ها: قضاوت و داوری رسول خداصلی الله علیه وآله چیزی جز بیان حکم خدا نیست. چنانکه در آیه ۱۰۵ سوره نساء می‌خوانیم: «لَتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» تا میان مردم به (موجب) آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی. پیام‌ها: ۱- نشانه‌ی ایمان واقعی، پذیرفتن حکم پیامبر و نشانه‌ی نفاق، روی گردانی از آن است. «إذا دُعوا... فریق منهم مُّعْرِضُونَ» ۲- داوری و قضاوت از شئون انبیا می‌باشد. «لیحکم بینهم» ۳- حکم پیامبر، همان حکم خداوند است. «لیحکم» مفرد آمده، نه تشبیه) ۴- در انتقاد، انصاف داشته باشید و همه را نکوبید. «فریق منهم» ۵- قضاوت عادلانه، خوشایند گروهی از مردم نیست. «فریق منهم مُّعْرِضُونَ» ۶- به هر گرویدن و اظهار علاقه‌ای تکیه نکنید. «وإن یکن لهم الحقّ یأتوا الیه...» (به سراغ پیامبر می‌آیند، اما در صورتی که سخن پیامبر به نفع آنها باشد!) ۷- منافق، فرصت طلب است و نان را به نرخ روز می‌خورد. «وإن یکن لهم الحقّ... مذعنین» ۸- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حتی برای منافقان، (آنجا که حقّ با آنان بود) به نفع آنان حکم می‌کرد. «لیحکم بینهم... ان یکن لهم الحقّ» اَفِی قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۵۰) آیا در دل‌هایشان بیماری است، یا دچار شک شده‌اند، یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبرش حقّی از آنان ضایع کنند؟ (نه)، بلکه آنان خود ستمگرند. نکته‌ها: کلمه‌ی «حیف» به معنای خروج از اعتدال، از روی ظلم و جور است. پیام‌ها: ۱- بی‌ایمانی، یک مرض روحی است. «و ما اولئک بالمؤمنین... اَفِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» ۲- دلیل اعراض از پیامبر سه چیز است: بیماری‌های روحی، تردید و سوءظن. «اَفِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» ۳- شک و سوءظن به خداوند، ظلم است. (ظلم به خود و انبیا) «اولئک هم الظالمون»

۴۳) بقره، (۹۱)

آیه ۵۱ تا ۵۵

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱) (ولی) هنگامی که مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند، تا میانشان داوری کند، سخنشان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم، اینان همان رستگارانند. نکته‌ها: چهار آیه‌ی قبل، برخورد منافقان نسبت به داوری پیامبر اسلام را ترسیم کرد و این آیه برخورد مؤمنان واقعی را مطرح می‌کند، تا مردم در خود بنگرند که در برابر حکم خداوند از کدام دسته هستند. پیام‌ها: ۱- حرف و راه مؤمن همیشه یکی است. «انما كان قول المؤمنين» ۲- تسلیم شدن در برابر حق، شیوه‌ی دائمی مؤمنان است. «كان قول المؤمنين... سمعنا و اطعنا» ۳- توجه مؤمن به راهی است که دعوت می‌شود. «دعوا الى الله و رسوله» ۴- آنچه برای مؤمن مهم است، عمل به وظیفه‌ی الهی و پذیرش حکم خدا و رسول است. (خواه به نفع او باشد یا به ضررش). «ليحكم بينهم» ۵- داوری از شئون انبیا است. «ليحكم بينهم» ۶- آنچه مهم است، شنیدن و عمل کردن است، نه شنیدن تنها. «سمعنا و اطعنا» ۷- اطاعت مؤمنان از پیامبر براساس آگاهی است. (تقدیم «سمعنا» بر «اطعنا») ۸- رسیدن به رستگاری، در سایه‌ی تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اطاعت کردن از اوست. «سمعنا و اطعنا و اولئك هم المفلحون» ۹- دینداری، در نزاع‌ها و قبول یا ردّ قضاوت‌های حق، معلوم می‌شود. «اولئك هم المفلحون» و مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۵۲) و هر که از خدا و رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند. نکته‌ها: «فخر رازی» در تفسیرش می‌گوید: فوز و رستگاری در سه چیز است: ۱- اطاعت از خدا و رسول، در شادی و غم. ۲- ترس از خدا در مورد کارهای گذشته. ۳- رعایت تقوا، در باقیمانده‌ی عمر. پیام‌ها: ۱- سعادت، کاری به نژاد و سن و جنس و قبیله ندارد، هر کس تسلیم خدا باشد، رستگار می‌شود. «مَنْ يُطِيعُ... هم الفائزون» ۲- پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است، زیرا اطاعت از او، بی قید و شرط آمده است. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» ۳- آنچه ارزش است، خشیت درونی و پروای بیرونی است. «يخش الله و يتقّه» ۴- اطاعت باید هم از خدا باشد و هم از رسول، و در کنار آن غرور نباشد، بلکه روحیه‌ی خشیت و تقوا باشد. «يطع الله و رسوله و يخش الله» ۵- خداترسان تقوا پیشه که مطیع خدا و رسولند، حتماً رستگار می‌شوند. «فاولئك هم الفائزون» و أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِمْ لَيَحْزُرْنَ قُلْ لَأَتَقَسِمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۵۳) و سخت‌ترین سوگندها را به نام خدا خوردند، که اگر (برای جبهه و جهاد) دستور دهی، از خانه خارج می‌شوند. (به آنان) بگو: سوگند نخورید، اطاعت پسندیده (اطاعت در عمل است، نه سوگند به زبان)، همانا خداوند به کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است. پیام‌ها: ۱- به هر سوگندی اطمینان نکنید. زیرا منافقان از مقدّسات سوء استفاده می‌کنند. «واقسموا بالله...» ۲- هر چه درون پوک‌تر باشد، تظاهر و خودنمایی بیشتر است. «جهد ایمانهم» ۳- مسلمانی، تنها به گفتار نیست، کردار هم لازم است. «طاعة معروفة» ۴- با پذیرفتن سوگند منافقان، جلو سوء استفاده آنان را بگیرید. «قل لاتقسموا» ۵- خداوند، منافقان را تهدید می‌کند که من به گفتار و رفتار شما آگاه هستم. «ان الله خبير بما تعلمون» قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴) بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به پیامبر زبانی نمی‌رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده‌ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می‌یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد. نکته‌ها: تکرار «اطيعوا» نشان آن است که پیامبر دو شأن دارد: یکی بیان وحی الهی «اطيعوا الله» و دیگری دستورات حکومتی «اطيعوا الرسول». در قرآن به مواردی برمی‌خوریم که دو دستور در کنار یکدیگر ذکر شده است و باید هر دو اجرا شود و عمل کردن به یکی کافی نیست، از جمله: * ایمان و عمل. «آمنا و عملوا الصالحات» (۹۲) * نماز و زکات. «اقموا الصلاة و اتوا الزكاة» (۹۳) * تشکر از خداوند و والدین. «أن اشکر لی و لوالدیک» (۹۴) * اطاعت از خدا و رسول. «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول» که در این آیه آمده است. در قرآن، جمله «و ان تولوا» زیاد بکار رفته است و در تمام موارد به پیامبر دلداری می‌دهد که از بی‌اعتنایی مردم نسبت

به تبلیغ خود دلسرد نشود. پیام‌ها: ۱- پیامبر مأمور است که منافقان را به اطاعت فراخواند. «قل اطیعوا...» ۲- اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر صلی الله علیه و آله مثل اطاعت از دستورات خدا، واجب است. «اطیعوا الرسول» ۳- رهنمودهای پیامبر هماهنگ با فرمان‌های الهی است. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» ۴- پیروی یا سرپیچی مردم، در ادای وظیفه‌ی پیامبران اثری ندارد. «فان تولوا فانما علیه ما حمل» ۵- تکلیف هر فردی، مربوط به خود اوست. «علیه ما حمل و علیکم ما حملتم» ۶- رشد هدایت، در سایه اطاعت است. «ان تطیعوه تهتدوا» ۷- پیامبران، ابلاغ می‌کنند نه اجبار. «و ما علی الرسول الاّ البلاغ» و عِدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵) خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امتیّت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند. نکته‌ها: در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می‌خوانیم: مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. (۹۵) که خداوند وعده داده است در آن روز اهل ایمان بر جهان حکومت کنند. در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۹۶) اسلام بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (۹۷) بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. و در جای دیگر می‌خوانیم: «والعاقبة للثقوى» (۹۸) یا «والعاقبة للمتقين» (۹۹) مراد از جانشینی مؤمنان، یا جانشینی از خداست در زمین و یا جایگزینی از اقوام پیشین. «فطربی» در تفسیر خود، درباره‌ی پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می‌کند و می‌گوید: در زمین خانه‌ای نخواهد بود مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه (روز هیجدهم ذی‌الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند، حضرت علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم «رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱۰۰) در این آیه نیز وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که پسندیده است «دینهم الذی ارتضی لهم». بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیر خم است. پیام‌ها: ۱- اسلام، دین آینده‌ی جهان است. آینده‌ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه‌ی کافران است. «وعدالله... ليمكنن لهم دينهم» ۲- به مؤمنان، امید دهید تا فشار و سختی‌ها، آنها را مأیوس نکند. «وعد الله المؤمن آمنوا» ۳- کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده حق، ایمان و عمل صالح است. «المؤمن آمنوا و عملوا الصالحات» ۴- دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. «ليستخلفنهم ... يعبدونني» ۵- در بیان وعده‌های الهی، برای باور کردن مردم، بیان نمونه‌هایی از تاریخ گذشته مفید است. «كما استخلف الذين من قبلهم» ۶- پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. «كما استخلف الذين من قبلهم» ۷- هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امتیّت کامل است. «ليمكنن لهم دينهم - ليبدلنهم - لايشركون» ۸- دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. «وعدالله... ليمكنن لهم - ليبدلنهم» ۹- دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. «دینهم الذی ارتضی لهم» ۱۰- امتیّت واقعی، در سایه‌ی حکومت دین است. «وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا» ۱۱- امتیّت در جامعه‌ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می‌سازد. «أمنا يعبدونني» (هدف نهایی وعده‌های الهی، عبادت خالصانه خداوند است) ۱۲- عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ گونه شرکی در کنار آن نباشد. «يعبدونني لايشركون» ۱۳- در زمان حکومت صالحان نیز، گروهی انحراف خواهند داشت. «وعدالله... و من كفر بعد ذلك»

----- (۹۲) لقمان، ۱۴. ۹۳. تفسیر نورالثقلین. ۹۴) توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹. ۹۵) انبیاء، ۱۰۵. ۹۶) طه، ۱۳۲. ۹۷) اعراف، ۱۲۸. ۹۸) مائده، ۳. ۹۹) بحار، ج ۹۳، ص ۱۰۴. ۱۰۰) تفسیر المیزان.

آیه ۵۶ تا ۶۰

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶) و نماز را به پا دارید و زکات را پردازید و از پیامبر اطاعت کنید. شاید مورد رحمت قرار گیرید. لَأَتَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۷) هرگز گمان مبر که کفار ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که سرانجام بدی است. نکته‌ها: امام صادق علیه السلام با تلاوت این آیه فرمود: زکاتِ فطره، مصداقِ زکات در آیه و واجب است. (۱۰۱) شاید آیه پاسخ سؤالی باشد که بعد از آیه قبل مطرح می‌شود که با آن همه کفر و نفاق و امکاناتی که مخالفان دارند، چگونه خداوند به مؤمنان وعده حاکمیت بر زمین را می‌دهد؟ این آیه می‌فرماید: «ولا تحسبن الذين كفروا معجزين في الارض» تردید نکن، زیرا مخالفان نمی‌توانند در هیچ کجای زمین اراده و راه خداوند را مختل و عاجز نمایند. بر خلاف میل و پندار نادرست دشمنان، روزی حکومت امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد. (۱۰۲) پیام‌ها: ۱- اقامه نماز و ادای زکات، نمونه بارز عمل صالحی است که در حاکمیت مؤمنان انجام می‌شود. «وعد الله الذين آمنوا... اقيموا الصلاة...» ۲- در اسلام، مسائل عبادی «اقيموا الصلاة» و مسائل مالی «آتوا الزكاة» و مسائل سیاسی و حکومتی «اطيعوا الرسول» از یکدیگر جدا نیستند. ۳- وعده‌های الهی (که در آیه قبل بود)، سبب تن‌پروری نشود! «اقيموا... آتوا الزكاة...» ۴- شرط رسیدن به رحمت الهی، پیروی از خدا و رسول است. «لعلکم ترحمون» ۵- کفار، اگر چه ابرقدرت باشند، اما در برابر قدرت خدا شکست خواهند خورد. «لا تحسبن الذين كفروا معجزين...» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيُشْتَدَّ نَكْمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غلامان و فرزندان که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وقت (برای ورود به اتاق) از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و هنگام نیمروز، که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت، هنگام خلوت شماست، اما در غیر این سه وقت، بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. نکته‌ها: اگر بار دیگر، از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲) هر کس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب الیم خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنبال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) پاکان به سراغ ناپاکان نروند، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۷-۲۸) چشمان خود را از نامحرم پیش کشید و خیره نشوید، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند، برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: ساعاتی با همسران خلوت کنید که بدانید فرزندان و خادمان منزل سرزده وارد نمی‌شوند. آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است. پیام‌ها: ۱- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم» ۲- محل خواب والدین باید جدا از فرزندان باشد، وگرنه نیاز به اذن نبود. «لیستأذنکم» ۳- کودکی و بردگی، بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لیستأذنکم» ۴- مرد باید در طول شبانه روز، اوقاتی را به همسر خود اختصاص دهد. «لیستأذنکم» ۵- حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. «لیستأذنکم... الذین لم یبلغوا الحُلُم» ۶- اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد. و هم برای

مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین. «لیستأذنکم ... الذین لم یبلغوا الحُلُم» ۷- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لیستأذنکم» ۸- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الذین لم یبلغوا الحُلُم» ۹- لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت. «تضعون ثیابکم» ۱۰- استراحت بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. «تضعون ثیابکم من الظهیرة» ۱۱- تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. «قبل صلوة الفجر - بعد صلوة العشاء» ۱۲- تمام احکام الهی بر اساس علم و حکمت است. «علیم حکیم» و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹) و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند کسانی که قبلاً بالغ شده‌اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. نکته‌ها: کلمه‌ی «حُلُم» و «احتلام» به معنای جنب شدن در خواب است که یکی از نشانه‌های بلوغ می‌باشد. البته نشانه‌های بلوغ برای دختران و پسران متفاوت است که در رساله‌های مراجع تقلید آمده است. آیه قبل، اجازه گرفتن کودکان را به سه زمان مشخص اختصاص داد، اما این آیه زمان مشخصی را اعلام نکرده و فرزندان بالغ، در تمام اوقات باید برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند. برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه کافی نیست، در هیچ یک از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد، بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی، و آموزش‌های صحیح اسلامی، و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم، سپس مجازات را به عنوان یک عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت. به همین دلیل در این سوره نور که در واقع سوره عفت است از مجازات مردان و زنان زناکار شروع می‌کند، و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسایل ازدواج سالم، رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم‌چرانی، تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی، و بالاخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به اتاق پدران و مادران، گسترش می‌دهد. این نشان می‌دهد که اسلام از هیچ یک از ریزه‌کاری‌های مربوط به این مساله غفلت نکرده است. خدمتکاران و فرزندان بالغ نیز موظفند بدون اجازه وارد نشوند، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که در اوقات استراحت پدر و مادر بدون اجازه وارد نشوند. این یک ادب اسلامی است هر چند متاسفانه امروزه کمتر رعایت می‌شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است، در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها نیز کمتر دیده می‌شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود، و معلوم نیست به چه دلیل این حکم قطعی قرآن مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است؟ لازم است پدران و مادران این مسائل را جدی بگیرند، و فرزندان خود را عادت دهند هنگام ورود اجازه بگیرند، و همچنین از کارهایی که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اطاقی که بچه‌های ممیز می‌خواهند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند، و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آنها مؤثر است. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «ایاکم و ان یجامع الرجل امراته و الصبی فی المهد ینظر الیهما» (۱۰۳) مبدا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید. (۱۰۴) پیام‌ها: ۱- احتلام، نشانه رسیدن به بلوغ شرعی است. «و اذا بلغ الاطفال... الحُلُم» ۲- بزرگان و اطرافیان، برای نوجوانان الگو هستند. «کما استأذن الذین من قبلهم» ۳- با اعمال خود، فرزندان را تربیت کنید. «کما استأذن الذین من قبلهم» ۴- در تربیت فرزندان، از الگوهای زنده استفاده کنید. «کما استأذن...» ۵- دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده، آگاهانه و حکیمانه است. «علیم حکیم» وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسِيَعْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰) و بر زنان وانشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است. نکته‌ها: از آیات قرآن استفاده می‌شود که حجاب و پوشش بانوان در برابر افراد نامحرم، نباید تحریک کننده و شهوت انگیز باشد، زیرا تنها موارد زیر استثنا شده است: * «غیر اولی الاربه» (۱۰۵) کسی که شهوتی ندارد. * «او الطفل الذین لم یظہروا علی

عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» بجه‌ای که از شهوت، چیزی نمی‌داند. * «لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا» زنان سالخورده‌ای که امید ازدواج ندارند. بنابراین، مسأله روی تحریک احساسات جنسی و گناه دور می‌زند و اگر حدّ اقلّ حجاب اسلامی، برای جلوگیری از گناه کافی نباشد، لازم است بانوان چادر و حجاب برتر داشته باشند. امام صادق علیه السلام درباره‌ی «يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ» فرمودند: مراد کنار گذاشتن روسری و روپوش است نه برهنگی. (۱۰۶) اصل حجاب از احکام ثابت و ضروری اسلام است، ولی نحوه‌ی پوشش، بر این اساس است که تمایلات جنسی را تحریک نکند و عامل حفظ عفت و پاکدامنی باشد. پیام‌ها: ۱- قوانین اسلام مطابق با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها و نیازها و توانایی‌ها است. (باید برای پیرزنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی‌کند، مسئله را آسان گرفت) «و القواعد من النساء اللّٰتی لا یرجون نکاحاً... ان یضعن ثیابهن» ۲- برای زنان، چه پیر و چه جوان، نشان‌دادن آرایش و زینت ممنوع است. «غیر متبرّجات بزینة» ۳- سالخورده‌گی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی‌میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسری را داشته باشند. «القواعد... لا یرجون نکاحاً» ۴- حجاب، مایه‌ی حفظ عفت است. «أن یتعففن خیر لهن» ۵- حجاب، به نفع زنان است. «خیر لهن» ۶- دوخت لباس و نوع و رنگ آن، هر چه به عفت نزدیک‌تر باشد، بهتر است. «و ان یتعففن خیر لهن» ۷- در کنار آزادی، هشدار لازم است. (اگر از آسان بودن و راحتی احکام الهی، سوء استفاده شود و برای اهداف شیطانی، عمل شود، خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلفان می‌رسد). «والله سمیع علیم»

----- (۱۰۱) بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۵، ۱۰۲) تفسیر نمونه، ۱۰۳) نور، ۳۱، ۱۰۴) تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۵۷، ص ۵۲۲، ۱۰۵) تفسیر نورالثقلین، ۱۰۶) تفسیر المیزان.

آیه ۶۱ تا ۶۴

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْكُمْ مَفَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱) بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خودتان ایرادی نیست که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا خانه‌هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید، یا خانه‌های دوستانتان. بر شما باکی نیست که دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد خانه‌ای شدید، پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیتی است الهی و مبارک و پسندیده. خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید که بیندیشید. نکته‌ها: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: قبل از اسلام، افراد نابینا و لنگ و مریض حق نداشتند با افراد سالم غذا بخورند. این آیه به آنان اجازه داد تا با افراد سالم و دسته‌جمعی غذا بخورند، یا اگر خواستند جداگانه میل کنند. (۱۰۷) آری در جامعه باید از حقوق افراد معلول دفاع کرد. علامه طباطبایی می‌فرماید: ظاهر آیه چنین است که خداوند برای مؤمنان حقی قرار داده که بتوانند از خانه فرزندان و خویشان و دوستانشان به میزان احتیاج بخورند و مصرف کنند و این اذن، کلی و فراگیر است، لکن ابتدای آیه به سه گروه اشاره کرده که معمولاً نمی‌توانند غذای خود را تأمین کنند و نیازمند دیگران هستند، اما حکم به این سه گروه اختصاصی ندارد و برای همه مؤمنان است. (۱۰۸) قرآن با بیان یک اصل و قانون کلی بیان می‌کند که همان گونه که افراد نابینا و لنگ و مریض از غذا خوردن در خانه‌هایی معافند، شما نیز در مصرف غذا از خانه‌هایی که در آیه آمده معاف می‌باشید. این آیه تنها اجازه‌ی استفاده از خانه‌ی خویشان نسبی را بیان کرده و نامی از فامیل سببی مثل پدر زن و مادر زن و برادر زن و خواهر زن نبرده است. این آیه تنها درباره‌ی غذا خوردن است، ولی تصرفات دیگر مشروط به گرفتن اجازه است. و خوردن غذا از خانه‌های یاد شده نیز باید طبیعی و دور از

اسراف و تبذیر باشد. (۱۰۹) در موارد ذکر شده در آیه، همین که از رضایت صاحبخانه با خبر باشیم کافی است، ولی گاهی قرائن نشان می‌دهد که این یازده گروه میل ندارند از غذای خانه آنان بخوریم، مثل آنکه خوردنی را در جای مخصوصی پنهان کرده‌اند. در چنین مواردی باید دست نگه داریم. در تفسیر مجمع‌البیان می‌خوانیم: بخش اول آیه مربوط به معاف بودن نابینا و لنگ و بیمار از شرکت در جهاد است و قسمت بعدی آیه مربوط به غذا خوردن است. امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که شخصی وارد خانه می‌شود و بر اهل آن سلام می‌کند و آنان جواب دهند، این سلام بر خویشان است. (۱۱۰) خانه‌ی فرزند در این آیه نیامده است، شاید به خاطر این که این مورد، روشن و مسلم است. در حدیث می‌خوانیم: «انت و مالکک لایبک» تو و مالت از آن پدرت می‌باشید. پیام‌ها: ۱- دیگران را بر خود مقدم‌بداریم، خصوصاً محرومان را. «الاعمی - الاعرج - المريض - انفسکم» ۲- روابط خانوادگی و خویشاوندی، در مسائل حقوقی اثر می‌گذارند. (گرچه غذا ملک صاحبخانه است، ولی اسلام روابط خویشاوندی و عاطفی را در این موارد بر مالکیت افراد غالب نموده است.) «أن تأکلو من ... بیوت اعمامکم» ۳- قرائن عرفی و اطمینان عقلایی برای جواز مصرف از خانه دیگران کافی است. (مثلاً دادن کلید خانه، نشان رضایت است) «ملکتکم مفاتحه او صدیقکم» ۴- در اسلام، حق دوست در کنار حق فامیل قرار داده شده است. «اعمامکم... او صدیقکم» (از «افلاطون» پرسیدند: برادرت را بیشتر دوست داری یا رفیقت را؟ گفت: برادرم را زمانی که رفیقم باشد.) (۱۱۱) ۵- سلام کردن، از آداب ورود به منزل است. «اذا دخلتم بیوتاً فسلموا» ۶- سلام، ادبی آسمانی، مبارک و پسندیده است. «تحیة من عندالله مبارکه طیبه» ۷- سلام کردن، در خیر و برکت زندگی مؤثر است. «مبارکه طیبه» ۸- اهل خانه به منزله‌ی جان شما هستند. «سلموا علی انفسکم» ۹- مرز حق و حقوق را باید خداوند تعیین فرماید. «بین الله لکم الآیات» ۱۰- در احکام الهی باید اندیشید. «لعلکم تعقلون» إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲) مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هرگاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی‌روند. همانا کسانی که اجازه می‌گیرند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس (ای پیامبر!) اگر برای بعضی از کارهای خود از تو اجازه خواستند، به هرکس از آنان که خواستی (ومصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آموزش کن، که خداوند بخشنده و مهربان است. نکته‌ها: در کتب تفسیر، درباره‌ی شأن نزول این آیه مطالب گوناگونی ذکر شده است که موارد عمده‌ی آن را در این جا می‌آوریم: ۱- این آیه، مربوط به «حفظه» است، که شب عروسی او فرمان حرکت به سوی احد صادر شده بود. او با کسب اجازه از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه رفت و مراسم زفاف را بجا آورد و بدون آن که غسل کند به جبهه رفت و به شهادت رسید. پیامبر فرمود: «فرشتگان او را غسل دادند». خداوند از همان یک شبی که حفظه با همسرش بود، فرزندی به او عطا کرد که ماجرای زندگی او مفصل است. (۱۱۲) ۲- این آیه درباره‌ی منافقین است، که هرگاه با مردم بودند، به نماز می‌ایستادند و اگر کسی آنان را نمی‌دید و تنها بودند، از نماز فرار می‌کردند. (۱۱۳) ۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی را برای کاری اعزام فرمود، ولی آنان به سراغ کارهای شخصی خود رفتند، و این آیه در باره آنان نازل شد. ۴- این آیه در مورد مسلمانانی است که مشغول کردن خندق بودند و برای سرکشی به خانواده‌ی خود از پیامبر اجازه می‌خواستند. اجازه گرفتن از رهبر، نشانه‌ی ادب، تسلیم، قانونمندی، عشق به رهبر و نظم و نظام است. پیام‌ها: ۱- حضور در کنار رهبری، برای حل مشکلات، نشانه‌ی ایمان، و ترک آن نشانه‌ی نفاق یا ضعف ایمان است. «کانوا معه علی امر جامع» ۲- در مسائل تشکیلاتی، که بر اساس همفکری و مشورت، تصمیم گرفته می‌شود، خودمحموری و خودمختاری ممنوع است. «علی امر جامع لم یذهبوا» ۳- در زندگی اجتماعی، وجود رهبر و پیروی از او لازم است. «علی امر جامع لم یذهبوا» ۴- ایمان باید همراه با تسلیم و اطاعت از رهبری باشد. «لم یذهبوا حتی یستأذنه» ۵- باید نظام اجتماعی و کارهای گروهی را ارج نهیم. «لم یذهبوا حتی یستأذنه» ۶- بعضی مسائل را باید سربسته گفت. «لبعض شأنهم» ۷- رهبری در اسلام، همراه با مصلحت‌اندیشی و رحمت است. «فأذن لمن

ثت منهم - و استغفر لهم» ۸- تصمیم‌گیری نهایی با رهبر است. «لَمَنْ شِئَتْ مِنْهُمْ» (پیامبر در مسائل جامعه، بر مردم ولایت دارد).

۹- رهبر باید در اعمال سیاست‌های خود انعطاف‌پذیر و واقع‌بین باشد. «فَأَذِنَ لِمَنْ شِئَتْ مِنْهُمْ» ۱۰- رهبران الهی، عذر‌پذیر و مهربانند. «واستغفر لهم الله» ۱۱- اذن پیامبر، کار را مجاز و حلال می‌کند ولی نفسِ رها کردن کارهای عمومی در حضور رهبر، نیاز به استغفار دارد. «فَأَذِنَ... واستغفر لهم» ۱۲- طرح مسائل شخصی در هنگام اشتغال به کارهای عمومی، گرچه با اجازه باشد، زیبا نیست و باید عذرخواهی کرد. «واستغفر لهم» ۱۳- استغفار و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیگران، مستجاب است. «واستغفر لهم الله ان الله غفور رحيم» لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳) آن گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید پیامبر را صدا نزنید. خدا می‌داند چه کسانی از شما مخفیانه و با پنهان شدن پشت سر دیگری از صحنه می‌گریزد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید از این که فتنه‌ای دام‌نشان را بگیرد، یا به عذاب دردناکی گرفتار شوند بترسند. نکته‌ها: «تسلل»، خارج شدن پنهانی و «لواذ» پنهان شدن پشت سر دیگری است که کار منافقان بود. در مورد معنای این آیه، چهار احتمال وجود دارد: ۱- پیامبر را مثل دیگران صدا نزنید. در روایت می‌خوانیم: «یا محمّد»، «یا بالقاسم» نگویند، بلکه «یا رسول الله» و «یا نبی الله» بگویند. (۱۱۴) در روایت دیگر آمده است که این آیه درباره‌ی جانشینان معصوم آن حضرت نیز جریان دارد. (۱۱۵) ۲- اگر پیامبر صلی الله علیه و آله شما را به کاری مثل رفتن به جبهه و خواندن نماز دعوت کرد، حتماً اطاعت کنید و دعوت او را ساده نگیرید. ۳- پیامبر را با صدای بلند صدا نزنید. (۱۱۶) ۴- نفرین و دعای پیامبر مستجاب است، مواظب باشید. (۱۱۷) پیام‌ها: ۱- رهبری الهی، حریم دارد و دارای مقام و احترام است. هم نام او را با احترام ببرید و هم با تمام وجود تسلیم او باشید و فراخوانی او را مانند فراخوانی دیگران ندانید. «لا تجعلوا دعاء الرسول...» ۲- ساده گرفتن پیام‌های رهبری و بی‌توجهی به آنها، فتنه و عذاب به دنبال دارد. «فتنه او... عذاب الیم» ۳- مخالفت فرمان خدا و رسول، یا فتنه‌ی دنیوی به دنبال دارد یا کيفرُ أُخْرَى. «يخالفون عن أمره... فتنه او تصيبهم عذاب اليم» أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُزْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۴) آگاه باش! آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خداست. بی‌شک آنچه (از افکار و نیات) را که شما بر آن هستید، می‌داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند، (می‌داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده‌اند آگاه می‌کند و خداوند به همه چیز آگاه است. پیام‌ها: ۱- خداوند، مالک همه چیز و آگاه به همه‌ی فکرها و نیت‌هاست. بنابراین نفاق و مخالفت امر او چرا؟ «فليحذر الذين يخالفون... قد يعلم... فيبتئهم» ۲- ایمان به علم خداوند، وسیله‌ی بازدارنده از بدی‌هاست. «يعلم ما اتم عليه... فيبتئهم» «والحمد لله رب العالمين» ----- (۱۰۷) (تفسیر صافی. ۱۰۸) تفسیر نورالثقلین. ۱۰۹)

تفسیر مراغی. ۱۱۰) تفسیر المیزان. ۱۱۱) تفسیر کبیر فخر رازی. ۱۱۲) تفسیر نورالثقلین. ۱۱۳) بحار، ج ۲۳، ص ۳۰۱. ۱۱۴) تفسیر مجمع‌البیان. ۱۱۵) تفسیر کبیر فخر رازی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل

الله تعالی (فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام

یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

